

# نقش اجتماع انتظار

حسن عبدی پور



بسم الله الرحمن الرحيم

نقش اجتماعی انتظار

موضوع:

عقاید: ۷۹ (کلام و عقاید: ۱۳۸)

گروه مخاطب:

- تخصصی (طلاب و دانشجویان)

- عمومی

شماره انتشار کتاب (چاپ اول): ۱۵۲۹

مستند انتشار (چاپ اول و بازچاپ): ۳۲۷۶

عبدی پور، حسن، ۱۳۴۶ -

نقش اجتماعی انتظار / حسن عبدی پور - قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۶.

۱۳۲ ص - (مؤسسه بوستان کتاب: ۱۵۲۹) (عقاید: ۷۹، کلام و عقاید: ۱۳۸)

ISBN 978 - 964 - 548 - 634 - 9 ریال: ۱۳۵۰۰

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات قبلیا.

Hasan-e Abdī-pūr. Naqsh-e Ejtemā'ī-ye Entezār

ص.ع. به انگلیسی:

[The Social Role of the Expectation]

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. مهدویت - انتظار. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. الف. دفتر تبلیغات اسلامی

حوزه علمیه قم. مؤسسه بوستان کتاب. ب. عنوان.

۲۹۷/۴۶۲

BP ۲۳۲/۲ / ع ۲۵۷

۱۳۸۶

# نقش اجتماعی انتظار

حسن عبدی پور

بیت  
۱۳۸۶

# بوستان کتاب

## نقش اجتماعی انتظار

● نویسنده: حسن عبدی پور

● ناشر: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

● لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب ● نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۶

● شمارگان: ۲۰۰۰ ● بها: ۱۳۵۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است

printed in the Islamic Republic of Iran

✓ دفتر مرکزی: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، ص پ ۹۱۷، تلفن: ۷۷۴۲۱۵۵-۷، نمابر: ۷۷۴۲۱۵۴، تلفن پخش: ۷۷۴۳۴۲۶

✓ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (عرضه ۱۲۰۰۰ عنوان کتاب با همکاری ۱۷۰ ناشر)

✓ فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان فلسطین جنوبی، دست چپ کوچه دوم (پشن)، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۵

✓ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع یاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، تلفن: ۲۲۳۳۶۷۲

✓ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهارراه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، تلفن: ۲۲۲۰۳۷۰

✓ فروشگاه شماره ۵: اصفهان، میدان انقلاب، جنب سینما ساحل، تلفن: ۲۲۲۱۷۱۲

✓ نمایندگی های فروش کتاب مؤسسه در داخل و خارج کشور (ضمیمه برگه نظر خواهی آثار اتمهای کتاب)

پست الکترونیک: [E-mail:info@bustaneketab.com](mailto:info@bustaneketab.com)

دریافت پیام کوتاه (SMS) فعلا با حروف لاتین: ۱۰۰۰۲۱۵۵

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایت:

<http://www.bustaneketab.com>

با قدردانی از تمام همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته اند از جمله:

- اعضای شورای بررسی آثار ● دبیر شورای کتاب: جواد آهنگر ● ویراستار: ابوالفضل طریقه دار ● چکیده انگلیسی: اصغر سلطانی، عبدالمجید مطوریان ● چکیده عربی: سهیله خانقی ● لیا: مصطفی محفوظی ● اصلاحات حروف نگاری و صفحه آرایی: احمد اخلی و امیر حسین علیمردانی ● کنترل نمونه خوانی: محمد جواد مصطفوی ● کنترل نشی صفحه آرایی: سید رضا موسوی منش ● نظارت و کنترل: عبدالهادی اشرفی ● طراح جلد: محمود هدایی ● آماده سازی: حسین محمدی ● سفارشات چاپ: علی علیزاده و امیر حسین مقدم منش ● امور چاپ: سید رضا محمدی و سایر همکاران لیتوگرافی، چاپ و صحافی.

● رئیس مؤسسه  
سید محمد کاظم شمس

## فهرست موضوعات

درآمد ..... ۹

### بخش اول: انتظار و چشم‌انداز آینده

گستره انتظار ..... ۱۳

مفهوم صحیح انتظار ..... ۱۶

دیدگاه‌ها درباره انتظار ..... ۱۸

برداشت‌ها و دیدگاه‌های متفاوت از موضوع انتظار فرج ..... ۱۹

آینده بشر از نگرگاه اندیشوران ..... ۲۴

آینده بشر از نظرگاه اسلام ..... ۲۵

### بخش دوم: کارکردهای انتظار

نوید به آینده و ایجاد نشاط روحی ..... ۳۱

ارضای فطرت عدالت‌خواهی ..... ۳۹

خلاصه استدلال ..... ۴۲

۴۵	سازندگی فردی
۴۶	خداپرستی
۴۷	پرهیزگاری
۴۸	اخلاق نیکو
۴۹	مهرورزی
۵۰	زهد ورزی
۵۳	سازندگی اجتماعی
۵۳	دست‌گیری و تعاون
۵۴	استقامت و شکیب‌ورزی
۵۶	تقویت انگیزه ظلم ستیزی
۵۷	دور ماندن از فساد محیط
۵۸	جهاد مستمر
۵۹	ایجاد حساسیت در برابر وضعیت اجتماعی
۶۱	سبب کارآمدی دولت‌ها
۶۵	تأسیس و پویا ساختن نهاد وکالت
۶۶	علل تشکیل نهاد وکالت و استمرار فعالیت آن تا انتهای عصر غیبت
۶۶	۱. لزوم ارتباط بین رهبری و پیروان
۶۷	۲. جوّ خفقان عباسی و لزوم حفظ شیعیان و مکتب توسط امام <small>علیه السلام</small>
۶۷	۳. آماده‌سازی شیعه برای عصر غیبت
۶۸	۴. رفع بلا تکلیفی شیعه در عصر غیبت
۶۸	محدوده زمانی و مکانی فعالیت نهاد وکالت
۷۱	کارکردهای نهاد وکالت
۷۱	۱. جلوگیری از تفرقه شیعیان

۲. پاسخ‌گویی به سؤال‌های فقهی و مشکلات علمی و عقیدتی ..... ۷۱
۳. اخذ و توزیع اموال متعلق به امام ..... ۷۲
۴. سازماندهی و کیلان ..... ۷۲
۵. رسیدگی به اوقاف ..... ۷۴
۶. راهنمایی و ارشاد شیعیان و مناظره با مخالفان ..... ۷۴
۷. نقش سیاسی نهاد وکالت ..... ۷۴
- آرمان‌گرایی و حق‌گروی ..... ۷۵
- عوامل سیاسی غیبت ..... ۷۷
۱. عدم بلوغ سیاسی مردم ..... ۷۸
۲. تعلل خواص ..... ۷۹
۳. حاکمیت جور ..... ۸۰
- اهمیت عالمان دینی و تعمیق و توسعه اجتهاد ..... ۸۳
- جایگاه عالمان دینی ..... ۸۴
- الف) منظر آیات ..... ۸۴
- ب) منظر روایات ..... ۸۵
- رسالت‌ها و ویژگی‌ها ..... ۸۶
- مرزبانی از عقیده اسلامی ..... ۸۷
- رسالت حوزه‌های علوم دینی ..... ۸۹
- اهتمام و اقتدا ..... ۹۱
- وراثت ..... ۹۲
- نیابت ..... ۹۵
- شکوفایی علوم دینی ..... ۹۷
- حفظ و گسترش علوم اسلامی ..... ۹۷



۹۹	پرچمداری در شهادت
۱۰۰	رفع ابهام
۱۰۲	اهتمام فقها به تبیین نظام آرمانی سیاسی شیعه
۱۰۷	ایجاد انقلاب‌های سیاسی در جوامع
۱۰۸	انقلاب اسلامی زمینه‌ساز دولت منتظر
۱۱۲	تداوم و استمرار انقلاب اسلامی
۱۱۵	چگونگی حفظ کارکردهای انتظار
۱۲۱	توطئه‌ها علیه کارکردهای انتظار
۱۲۸	غرب و مهدویت
۱۳۰	هالیود و مهدویت
۱۳۶	فهرست آیات

## درآمد

اثری که پیش رو دارید نگاهی است به بعضی از کارکردهای انتظار. واقعیت این است که از میان گفتمان‌های موجود در آموزه‌های دینی، رویش‌ها و ره‌آوردهای «انتظار» از همه بیشتر بوده و در مقاطع آرامش و رفاه و نیز هنگامه‌های سختی، مددکارِ باورمندان بوده است؛ به عبارت دیگر، کارکردِ آن از همه عناصرِ دیگر، برتر و بیشتر بوده و خواهد بود.

این کارکردها همه عرصه‌های فردی و اجتماعی انسانِ منتظر را پوشش می‌دهد: خودسازی، تعلیم و تربیت، سیاست‌ورزی، برنامه‌ریزی‌های کلان اجتماعی - سیاسی، با نظر داشتن به «انتظار» معنا و مفهوم تازه‌ای می‌گیرد و به حیات و زندگی طراوت و تازگی می‌بخشد. بی‌شک انتظار، هنگامی دارای رویش و ره‌آورد، است که با «اندیشه» و «عمل» هم آغوش گردد و در مقابلِ ستم‌های فردی و اجتماعی و حاکمان جور و سلطه‌گران، ساکت نباشد و به مددِ خردورزی و دانشوری، زنجیرهای جهل و نادانی و تحجر را بگسلد و با نابخردی‌ها و ناحقی‌ها ستیز کند.

انگیزه ما در بیان کارکردهای انتظار، تنبّه و بیدارسازی منتظران به دست آوردهای باور خویش و نیز مبارزه با قرائت‌های انحرافی بوده که خواسته یا ناخواسته این باور پویا و نقش آفرین را عملاً از خاصیت انداخته و گاه به ابزاری در دستِ ناهلان، تبدیل کرده‌اند.

در پایان از دوست ارجمندم جناب آقای دکتر سید حسین شرف‌الدین که ایده این بحث را پیشنهاد کردند سپاس گزارم و نیز از زحمات دوست گرامی جناب آقای ابوالفضل طریقه‌دار که ویرایش آن را به عهده داشتند قدردانی می‌کنم.

پیشاپیش نقد همه خوانندگان بصیر را به دیده منت می‌نهم و تذکار آنان را در بازنگری‌های بعد به کار خواهم بست. امید که این مختصر، در پیشگاه حضرت حق، مقبول افتد و حضرت حجت علیه السلام را خشنود سازد.

حسن عبدی پور

قم - ۱۳۸۴

بخش اول:

انتظار

و

چشم انداز آینده



## گستره انتظار

انسان‌ها معمولاً در امید و انتظار روزی بهتر و زندگانی مرفه‌ترند، روزگاری که در آن جور و ستم، فقر و گرسنگی، رنج و بیماری و ناامنی و نابسامانی نباشد، روزگاری که همه چیز به کام مراد گردد. امید به بهروزی و انتظار فردایی نکوتر حدیث نفس انسان‌هاست و خواست مشترک همه بشرها، که زمان و مکان نمی‌شناسد و به هیچ قوم و گروهی اختصاص ندارد و آن را همه وقت، در همه جا و در میان تمام اقوام و ملل می‌توان شناخت، به قول یکی از پژوهش‌گران معاصر:

انسان‌ها همی آیند و همی روند و التهاب سوزان این فردای بهتر را هم‌چنان با خود به گور برند! لیکن روزی دیگر باز انسانی دیگر، این امید را از نو آغاز می‌کند و نغمه تازه سر می‌دهد.<sup>۱</sup>

برای این‌که مفهوم امید و انتظار روشن گردد تفاوت آن را با واژه آرزو بیان می‌کنیم:

امید و آرزو از ویژگی‌های انسان است و بس، چون انسان است که

---

۱. خورشید پنهان، جمعی از نویسندگان، ص ۱۲.

می تواند آینده نگر باشد و امید و آرزو بر پایه آینده نگری قرار دارد. امید (انتظار) و آرزو هر دو نمایانگر خواسته های بشر بوده و هر دو بیک سعادت انسان و نوید خوش بختی او می باشند.

تفاوتی که میان این دو وجود دارد این است که انتظار با عقل انسان همراه است و خواسته اش امکان پذیر و خردمندانه بوده و به چیزی محال تعلق نمی گیرد: بیمار، انتظار بهبودی، ناتوان امید توانا شدن، دانش پژوه انتظار دانشوری، ستم دیده امید و انتظار قطع دست ستمگر را دارد، ولی آرزو چنین نیست، گاه با عقل هم آهنگی ندارد و خواسته اش عقلانی و خردمندانه نبوده و امکان پذیر نخواهد بود. آرزو به محال ها تعلق می گیرد و تقاضای هست شدن نشدنی ها را دارد. پیر، آرزومند جوانی است، کوسه آرزوی ریش دارد و چاه کن آرزوی رسیدن به گنج و هر کسی در دم مرگ آرزوی حیات دارد. از این تفاوت میان انتظار و آرزو تفاوت دیگر زاییده می شود و آن عبارت است از آن که آرزومند می نشیند و انتظار رسیدن به آرزو را دارد و هرگز گامی به سوی مقصد بر نمی دارد، از آسمان انتظار دارد که آرزویش را محقق سازد و... ولی امید منتظر چنین نیست در پی امید خود می رود و هر گامی که بر می دارد به امید می رسد، چون امید اصلی، امیدهای فرعی می زاید و هریک از این امیدها و انتظارها که محقق می شود پایه ای می گردد تا به سوی انتظار بالاتر گام بردارد. هنگامی که انتظار شدت یافت و نیرومند گردید هدف و آرمان می شود، زیرا آرمان عقلانی است و امید به انتظار خردمندانه و هر دو با یک دیگر همراه می شود.

رابطهٔ انتظار با دین این است که کار دین و دیانت تعمق و توسعه آن چیزی است که انسان‌ها در زندگی دارند؛ به این معنا که دین کمتر چیزی را که در زندگی انسان‌ها نیست ایجاد می‌کند و شاید اصلاً نتوانیم چیزی را پیدا کنیم که خلاف این باشد. در سایهٔ انتظار هم دین، چنین کاری کرده است. انسان‌ها با انتظار زندگی می‌کنند. دین، این انتظار را که جوهرهٔ زندگی آدمی است وسعت می‌بخشد و سپس آن را تعمیق می‌دهد و چیزی را که انسان دارد، کامل‌تر می‌کند.

به عبارت دیگر، دین با فطرت انسان مخالفت نمی‌کند بلکه آن را می‌پروراند و آن را در مسیر تکامل قرار می‌دهد.

زندگی منتظرانه، پیشینه‌ای دراز در تاریخ و افقی ناپیدا در آیندهٔ روزگار دارد. باور انتظار، نه تنها به پایان عصر حضور که به دوران آغازین دین باز می‌گردد، زیرا تاریخ اسلام، این سلوک را در زندگی دینی آن روزگار نشان می‌دهد.

عشق به تکامل، شعلهٔ جاویدانی است که سراسر وجود انسان را در برگرفته و انسان می‌خواهد بیشتر بداند، بیشتر از زیبایی‌ها ببیند، از نیکی‌ها بهره بگیرد و آن چه مایهٔ پیشرفت و برتری انسان می‌داند بیشتر فراهم سازد. بنابراین علاقهٔ انسان به پیشرفت و تکامل، به دانایی و زیبایی نیکی و عدالت، علاقه‌ای است اصیل، همیشگی و جاودانی و انتظار ظهور مصلح بزرگ جهانی، نقطهٔ اوج این علاقه است.

انتظار، باوری است بارور به علم، که در زندگی انسان منتظر، در قالب کرداری خاص تجسم می‌یابد. دست روی دست گذاردن و

بی هیچ کنشی منتظرانه، خود را منتظر دانستن، تفسیری وارونه و منافقانه از انتظار است. انتظار، اعتقادی است در گرو عمل، عمل کردن به آن چه که فرهنگ انتظار را ایجاب می‌کند.

انتظار، چشم داشتن به حاکمیتی است که در آن، ناپاکان، ظالمان، متظاهران، بی‌اعتقادان و معتقدان بی‌کردار، به شمشیر عدالت و دیانت سپرده می‌شوند. دین، از بدعت‌ها و کجی‌ها و نفاق‌ها و ناروایی‌های بشری پیراسته می‌گردد. نادرستی‌ها و ناراستی‌ها کنار می‌رود، کاخ‌های به ظلم افراشته تاریخ سقوط می‌کنند، زنجیرهای جهل و اسارت گسسته می‌شوند، نابخردی‌ها و ناحقی‌ها پایان می‌یابند، دنیای ناراستان به فرجام می‌رسد.<sup>۱</sup>

انتظار یا آینده‌نگری به حال کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می‌کند... انتظار یعنی آماده باش کامل.<sup>۲</sup>

### مفهوم صحیح انتظار

انتظار به مفهوم مذهبی اش، امید به آینده است؛ آینده‌ای که در آن مردم جهان از زور و فشار و استبداد و تسلط نظام‌های غلط، نجات پیدا کنند و رژیم‌های ضد انسانی از میان بروند و زندگی پر نشیب و فراز انسان‌ها که از آغاز با نبرد و کشتارهای فجیع همراه بوده است، پر از صلح و صفا

۱. چشم به راه مهدی، نوشته جمعی از نویسندگان مجله حوزه علمیه قم، ص ۲۲۲.

۲. مکارم شیرازی، مهدی انقلابی بزرگ، ص ۱۰۱ و ۱۰۳.



و آرامش و امنیت گردد و حق‌پرستان پیروز و باطل‌گرایان نابود شوند. آنچه از مجموع آیات و روایات اسلامی و مفهوم خود کلمه «انتظار» استفاده می‌شود این است که انتظار، در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، عامل رشد و اصلاح، مقاومت و پیشرفت، بیداری و بقای جامعه و بالأخره عامل حرکت و جنبش و قیام و از عقاید تاریخ‌ساز و انقلاب‌آفرین اسلامی و بذر اصلی قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام است.

ممکن است بعضی از کوتاه‌فکران از مسئله انتظار این‌طور استفاده کنند که بشر امروزی با مشکلات بسیاری که با آن دست‌به‌گریبان است چگونه می‌تواند درباره فردا بیندیشد؟ و خود را برای ظهوری پر از عدل و حقیقت آماده سازد؟

با کمی تأمل و تفکر می‌توان به این جواب واضح رسید که شاید آنان نمی‌دانند اعتقاد به چنین ظهوری ریشه فطری در همه نهادهای آدمی دارد و در اعماق احساسات و عواطف آنان خانه کرده است، چرا که همه انسان‌ها به نوعی از ستم و ظلم گریزانند و می‌خواهند منجی‌ای بیاید تا راه استبداد و استعمار را بسته و ندای حق و عدالت را سر دهد هر چند اعتقاد آنان نشئت گرفته از اندیشه اسلامی نباشد.

اما به‌طور مسلم انتظار یک ریشه اصلی و عمیق در فرهنگ اسلامی دارد که می‌تواند تحوّل‌ی شگرف در اندیشه و روح منتظر واقع‌ی ایجاد کند. آنچه در ذیل می‌آید اشاره‌ای است به فلسفه‌های انتظار در منابع مهم و معتبر اسلامی.

## دیدگاه‌ها دربارهٔ انتظار

آمادگی همیشگی، جوهر اصلی انتظار است و وظیفهٔ قطعی منتظران، انتظار قیام و ظهور مهدی علیه السلام را داشتن است چنین انتظاری آمادگی پیشین می‌خواهد، از جمله پیراستگی و پاک زیستن، صداقت در عقیده و عمل، دارا بودن توان روحی برای جهاد و مبارزه در رکاب امام مهدی علیه السلام. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

منتظر امر ما، بسان کسی است که در راه خدا به خون خود غلتیده باشد.<sup>۱</sup>

انسان می‌تواند با ایجاد انتظار کامل، مقداری از حالت مردم در زمان ظهور - مانند تطهیر قلب - را در خویشتن ایجاد کند و به وسیله امید و انتظار خود را از ناامیدی و تباهی نجات دهد. بدین سبب امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوار خود از امیرالمؤمنان علی علیه السلام نقل می‌کند که:

برترین عبادت فرد مؤمن این است که از خداوند انتظار فرج داشته باشد.<sup>۲</sup>

امام خمینی علیه السلام با ژرف اندیشی تمام احیای فرهنگ انتظار را یکی از ارکان مهم احیای هویت اسلامی و وسیله‌ای برای تحقق دوباره قدرت و شوکت گذشته مسلمانان در جهان می‌دانست، ایشان در یکی از بیانات خود ضمن بیان مفهوم «انتظار فرج» وظیفه منتظران حضرت صاحب الامر علیه السلام را چنین برشمردند:

ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار، خدمت کنیم. انتظار فرج،

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

۲. همان، ص ۱۲۱.

انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود.<sup>۱</sup>

### برداشت‌ها و دیدگاه‌های متفاوت از موضوع انتظار فرج

امام خمینی علیه السلام در یکی از بیانات خود برداشت‌های متفاوتی را که از موضوع «انتظار فرج» شده است دسته‌بندی کرده و به شرح زیر، نقد و بررسی می‌کنند:

اولین دیدگاه در باب موضوع انتظار فرج که حضرت امام علیه السلام به طرح آن می‌پردازند دیدگاه کسانی است که تکلیف مردم در زمان غیبت را تنها دعا برای تعجیل فرج حضرت حجت علیه السلام می‌دانند:

بعضی انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد در حسینیه و در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان علیه السلام را از خدا بخواهند. اینها مردم صالحی هستند که یک همچون اعتقادی دارند، بلکه بعضی از آنها را که من سابقاً می‌شناختم بسیار مرد صالحی بودند. یک اسبی هم خریده بود. یک شمشیری هم داشت و منتظر حضرت صاحب علیه السلام بود. اینها به تکالیف خودشان عمل می‌کردند و امر به معروف هم می‌کردند، لکن همین دیگر غیر از این کاری ازشان نمی‌آمد و فکر این مهم که یک کاری بکنند نبودند.<sup>۲</sup>

دیدگاه دوم بسیار شبیه به دیدگاه اول است با این تفاوت که در

۱. صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۵۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۹۷.

دیدگاه دوم به طور کلی وظیفه‌ای که هر فرد مسلمان در برابر جامعه خود دارد به فراموشی سپرده شد، و حتی از امر به معروف و نهی از منکر هم غفلت شده است:

یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به این که در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد، بر ملت ما چه می‌گذرد، به این چیزها ما کار نداشته باشیم، ما تکلیف‌های خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله درست می‌کنند. دیگر ما تکلیفی نداریم، تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آن چه در دنیا می‌گذرد یا در مملکت خودمان می‌گذرد نداشته باشیم. این‌ها هم یک دسته‌ای، مردمی بودند که صالح بودند.<sup>۱</sup>

امام علیه السلام در ادامه بیاناتشان به نقد و بررسی دو دیدگاه یاد شده پرداخته و می‌فرمایند:

ما اگر دستمان می‌رسید قدرت داشتیم باید برویم تا ظلم‌ها و جورها را از عالم برداریم، تکلیف شرعی ماست منتها ما نمی‌توانیم، این که هست که حضرت عالم را پر می‌کند از عدالت، نه شما دست بردارید از این تکلیفتان، نه این که شما دیگر تکلیف ندارید.<sup>۲</sup>

سومین برداشت از مفهوم انتظار فرج، رویکرد کسانی است که به استناد روایاتی که در آنها آمده است حضرت قائم - ارواحنا له الفداء -

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۹۷.



زمانی ظهور می‌کنند که دنیا پر از فساد و تباهی شده باشد، می‌گویند ما نباید در زمان غیبت با انحراف‌ها و مفاسدی که در جامعه وجود دارد کاری داشته باشیم، بلکه باید جامعه را به حال خود بگذاریم تا به خودی خود زمینه ظهور حضرت فراهم شود.

یک دسته می‌گفتند که خوب باید عالم پر از معصیت بشود تا حضرت بیاید ما باید نهی از منکر نکنیم امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند. گناه‌ها زیاد بشود تا فرج نزدیک بشود.<sup>۱</sup>

دیدگاه چهارم، به شکلی افراطی‌تر همان برداشت گروه سوم را مطرح ساخته و قائل به این است که ما نه تنها نباید جلوی معاصی و گناهانی که در جامعه وجود دارد بگیریم بلکه باید به آنها دامن هم بزنیم تا زمینه ظهور حجت علیه السلام هر چه بیشتر فراهم شود:

یک دسته از این بالاتر بودند می‌گفتند باید دامن زد به گناه‌ها، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از ظلم و جور بشود و حضرت علیه السلام تشریف بیاورند. این هم دسته‌ای بودند که البته در بین این دسته منحرف‌هایی هم بودند، اشخاص ساده لوح هم بودند، منحرف‌هایی هم بودند که برای مقاصدی به این دامن می‌زدند.<sup>۲</sup>

حضرت امام علیه السلام دو دیدگاه اخیر (سوم و چهارم) را به شدت مورد انتقاد قرار داده و در ادامه سخنانش می‌فرمایند:

یعنی خلاف ضرورت اسلام، خلاف قرآن نیست این معنا که ما دیگر

۱. همان، ص ۱۹۶.

۲. همان، ص ۱۹۶ - ۱۹۷.

معصیت بکنیم تا حضرت صاحب بیاید! حضرت صاحب که تشریف می آورند برای چه می آیند؟ برای این که گسترش عدالت را، برای این که حکومت را تقویت کنند، برای این که فساد را از بین ببرند. ما بر خلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر برداریم، دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای این که حضرت بیایند. حضرت بیایند چه می کنند؟

حضرت می آیند می خواهند همین کارها را بکنند الآن دیگر ما هیچ تکلیفی نداریم؟ دیگر بشر تکلیفی ندارد، بلکه تکلیفش این است که دعوت کند مردم را به فساد.<sup>۱</sup>

آخرین دیدگاهی که حضرت امام علیه السلام در بیانات خود بدان می پردازد، دیدگاه کسانی که اقدامی برای تشکیل حکومت در زمان غیبت را خلاف شرع دانسته و عقیده دارند که این عمل با نصوص روایات مغایر است:

یک دسته دیگری که می گفتند که هر حکومتی در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و بر خلاف اسلام است. آنها مغرور بودند. آنهایی که بازیگر نبودند مغرور بودند به بعضی روایاتی که وارد شده است بر این امر که هر علمی بلند شود قبل از ظهور حضرت، آن علم باطل است، آنها خیال کرده بودند که نه، هر حکومتی باشد، در صورتی که آن روایات که هر کس علم بلند کند، علم مهدی علیه السلام به عنوان مهدویت بلند کند. حالا ما فرض می کنیم که یک همچو روایاتی می باشد

آیا معنایش این است که ما تکلیفمان دیگر ساقط است.<sup>۱</sup>  
ایشان در ادامه کلامشان نتایج چنین دیدگاهی را بررسی کرده و  
می‌فرمایند:

این که می‌گویند حکومت لازم نیست معنایش این است که هرج و مرج  
باشد. اگر یک سال حکومت در یک مملکتی نباشد، نظام در یک  
مملکتی نباشد، آن‌طور فساد پر می‌کند مملکت را که آن طرفش پیدا  
نیست، آنی که می‌گوید حکومت نباشد معنایش این است که هرج و مرج  
بشود، همه هم را بکشند، همه به هم ظلم بکنند، برای این که حضرت  
بیاید، حضرت بیاید چه کند؟ برای این که دفع کند این را، این یک آدم  
اگر سفیه نباشد، اگر مغرض نباشد، اگر دست‌سیاستی این کار را نکرده  
باشد که بازی بدهد ماها را که با کار به آنها نداشته باشیم، آنها بیایند هر  
کاری بخواهند انجام بدهند این باید خیلی آدم نفهمی باشد.<sup>۲</sup>

در ادامه نیز اضافه می‌کنند:

اینهایی که می‌گویند که هر علمی بلند بشود... خیال کردند که هر  
حکومتی باشد این بر خلاف انتظار فرج است، اینها نمی‌فهمند چه دارند  
می‌گویند. اینها تزریق کردند بهشان که این حرف‌ها را بزنند، نمی‌دانند  
دارند چی چی می‌گویند، حکومت نبود یعنی این که همه مردم به جان هم  
بریزند، بکشند همه را، بزنند همه را، از بین ببرند بر خلاف نص آیات  
الهی رفتار بکنند، ما اگر فرض می‌کردیم دوستان تا روایت هم در این  
باب داشتیم، همه را به دیوار می‌زدیم برای این که خلاف آیات قرآن  
است. اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر را بگوید نباید کرد، این را باید

به دیوار زد، این‌گونه روایت قابل عمل نیست، و این تفهم‌ها نمی‌دانند دارند چه می‌گویند.<sup>۱</sup>

حضرت امام علیه السلام در پایان بررسی دیدگاه‌های یاد شده، دیدگاه خود را در باب مفهوم انتظار فرج را به این صورت مطرح کرده و می‌فرمایند:

البته این پرکردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی‌توانیم بکنیم اگر می‌توانستیم می‌کردیم، اما چون نمی‌توانیم بکنیم ایشان باید بیایند. الآن عالم پر از ظلم است، شما یک نقطه هستی را در نظر بگیرید، ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، تکلیفمان است.<sup>۲</sup>

### آینده بشر از نگرگاه اندیشوران

آینده بشر از مهم‌ترین دغدغه‌هایی است که اندیشوران را با تخصص‌های گوناگون علمی به مطالعه و کاوش فراخوانده است. فیلسوفان تاریخ، متفکران دینی و جامعه‌شناسان با پژوهش‌های ژرف به روند تحولات تاریخ و به تبیین و تفسیر آن پرداخته و برای سرانجام تاریخ بشر، آینده درخشانی را نوید داده‌اند.

این نگرش را می‌توان از دو چشم انداز درون دینی و بیرون دینی مورد کاوش و پژوهش قرار داد.

دیدگاه اول، به جست‌وجو، دسته‌بندی و تحلیل آیات و روایات دینی در خصوص آینده بشر نظر داشته و تلاش می‌کند به پیروان خود، رهایی از چنگال ظلم و جهل و رسیدن به سرچشمه‌های زلال حاکمیت



معنویت و عدالت به رهبری انسان کامل الهی را مژده دهد و روحیه نشاط و امید به آینده‌ای توأم با آرامش و معنویت و رفاه جهانی را در آنان زنده نگه دارد و به شکیبایی در برابر ناملايمات و آمادگی برای دگرگونی بنیادین در جهان توصیه می‌نماید.

اما مشخصه و مؤلفه دیدگاه دوم، تبیین سیر ادوار و تحولات تاریخی است که از آغاز تا انجام جهان بوده و خواهد بود و نیز انتقاد از وضع موجود جهان و طرح اندیشه سقوط غرب و شکل‌گیری تمدن درخشان در شرق است. «یا سپرس» از تئوری پردازان این دیدگاه، ضمن تصویر آینده خوش بینانه از جهان، هدف و غایت آینده را پیشرفت مادی و فنی ندانسته، بلکه تجلی هستی را اولویت داده و تفاهم بشری را نوید داده است. «آرنلد توین بی» نیز معتقد است که تمدن غرب، افزون بر بحران داخلی عمیق، از بیرون و جهان خارج نیز با بحران روبه‌روست.

### آینده بشر از دیدگاه اسلام

عقیده ما این است که آینده بشر با تشکیل حکومت واحد جهانی، بسیار روشن است؛ یعنی بشر به مرور زمان و با تجربه تلخی که از کلیه مکتب‌های فریبنده به دست خواهد آورد روزی به مکتب اسلام روی خواهد آورد، هر چند که دشمنان با آن مبارزه کنند، زیرا مبارزه با حق بالأخره وضع موجود جهان را که بر قومیت و هم‌نژادی و هم‌زبانی و نیز بر شرایط اقلیمی و جغرافیایی طبیعی و مانند آن استوار است و

به عنوان حدّ و مرز میان کشورها شناخته می‌شود، صحیح نمی‌داند و به رسمیت نیز نمی‌شناسد و به جای آن تمام جهان و زمین پهناور خدا را وطن انسان اعلام می‌دارد و تشکیل حکومت واحد جهانی را تحقق آرمانی واقعی انسان‌ها ضروری می‌داند و مشکلات پیچیده جهان و تعصبات دینی و قومی و نژادی را با نوعی «جهان‌وطنی» حل می‌کند، چنان که اسلام در آغاز، در دنیایی که اسیر تعصبات دینی و قومی بود، نغمه تازه‌ای دمید و نژادهای مختلف ایرانی، رومی، ترکی، حبشی و عربی را دور هم جمع کرد و از همین جا حکومت جهانی در دنیا پایه‌گذاری گردید و اگر آن روز این طرح به‌طور کامل پیاده نشد، برای این بود که افکار جهانیان برای تحمل حکومت توحید، آمادگی نداشت و لیکن چنان نیست که این وضع برای همیشه ادامه داشته باشد و لذا طبق قانون تکامل و به موجب آیات و روایات این آمادگی در آینده در جهان بشریت پیدا خواهد شد. به‌طور قطع جهان روزی را در پیش دارد که افکار مردم کاملاً بیدار می‌شود و از قوانین خود ساخته و برنامه و مرام‌های گوناگون و زمام‌داران طاغوتی خویش، مأیوس می‌گردند و چاره‌دردها و مشکلات لاینحل و پیچیده خود را از مکتب انبیا می‌جویند. خداوند کریم در قرآن مجید با وعده صریح جهانی شدن دین اسلام را اعلام می‌دارد:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ  
الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾<sup>۱</sup>

منظور از «هدایت»، ادله روشن و براهین آشکاری است که در دین اسلام وجود دارد و در دست ریس همگان می‌باشد و مراد از «دین حق» آیین الهی است که اصول و فروعش حق و متکی به تاریخ و دلایل روشنی است که دوست و دشمن ناگزیرند بدان اعتراف کنند و چنین آیین و مذهبی باید سرانجام بر کلیه آیین‌ها پیروز گردد.

برخی از مفسران گمان کرده‌اند که منظور از ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ تنها غلبه منطق اسلام است و می‌گویند این مطلب تحقق یافته است، زیرا اسلام از نظر منطق استدلال قابل مقایسه با آیین‌های دیگر نیست و بر همه آنها پیروز است و با دقت در آیات کریمه قرآن و به کار بردن کلمه «یظهره» چنین به دست می‌آید که منظور تنها غلبه استدلال نیست، بلکه غلبه ظاهری و پیروزی خارجی نیز داخل در مفهوم این کلمه می‌باشد. علاوه بر آن چه را که محرک و نیروبخش است و جامعه مسلمین را بیشتر به مکتب و آیین خود امیدوار می‌کند همان پیروزی خارجی و غلبه عینی است. و چون آیه در مقام تشویق مسلمین و تقویت ارتباط ایشان با خدا و رسول الله ﷺ و اعطای نیرو در مقابل دشمنان است اراده پیروزی خارجی به هدف نهایی نزدیک‌تر است.

**بخش دوم:**

**کارکردهای**

**انتظار**

## نوید به آینده و ایجاد نشاط روحی

درباره آینده بشر سه دیدگاه کلی وجود دارد:

یک دیدگاه معتقد است که آینده جهان و انسان تیره و تار است. انسان با دست خود و یا ابزارهایی همچون علم، تکنولوژی، صنعت و توسعه روز افزون ارتباطات تارهایی را بر دست و پای خود تنیده است که روزی او را از پا در می آورد. معتقدان این نظریه همچون شوپنهاور معتقدند که بشر نه تنها رو به سعادت و کمال نمی آورد بلکه به سوی شقاوت و تیره بختی در حرکت است. راسل می گوید:

اشخاصی هستند از آن جمله انیشتن که به زعم آنها بسیار محتمل است که انسان دوره حیات خود را طی کرده باشد و در ظرف سنین معدودی موفق شود با مهارت شگرف عملی خود، خویش را نابود سازد، این گروه را می توان بدبینان نامید.<sup>۱</sup>

دیدگاه دوم معتقد است: آینده بشر و وضعیت جهان نامشخص و نامعلوم است نه می توان گفت که انسان ها به کمال و سعادت می رسند و

نه این که به شقاوت و تیره روزی میل می‌کنند. این گروه فقط وضع موجود را تجزیه و تحلیل می‌کنند.

دیدگاه سوم باور دارد که: بشر روز به روز به رشد عقلانی، عاطفی، فکری، فرهنگی و دینی می‌رسد و آینده جهان، مملو از سعادت، کمال، راستی، پاکی است و بشر به وسیله کسب آگاهی‌های علمی، فلسفی و معرفتی حقیقت را کشف می‌نماید و حیات انسانی و الهی را در پیش خواهد گرفت. این گروه را می‌توان خوش بینان به تاریخ و جامعه دانست.

بینش قرآنی و اعتقاد به ظهور منجی موعود، دیدگاه سوم را تأیید می‌کند، آیاتی که در قرآن دربارهٔ مصلح جهانی آمده است سرشار از خوش بینی و امیدواری به آینده بشر است.

با این پیش فرض باید گفت که انتظار هم دو گونه است: منفی و مثبت. زمانی که به صورت منفی منتظریم بدبینی تاریخی داریم، چون معتقدیم که نظام زندگی در استقرار و تقویت و توسعه فساد است، اما اگر به صورت فعال و مثبت منتظر باشیم به تاریخ و آینده آن خوش بین هستیم، زیرا باور داریم که نظام جبری تاریخ پیروزی قطعی عدالت است و این امر نشان می‌دهد که اعتقاد به انتظار منفعل و انتظار فعال چقدر با هم متضادند؛ بر خلاف آن چه «ساموئل مکبت» در کتاب انتظار گودو می‌گوید:

انتظار یک فکر پوچ و مخرب نیست، انتظار منفعل پوچ است و کاش فقط پوچ می‌بود بلکه عامل تخریب اراده انسان‌هاست.



هر کس این سؤال به ذهنش می‌رسد که امام زمان علیه السلام - این رهبر نجات بخش انتهای تاریخ - چگونه می‌تواند بر جهان پیروز شود؟ امام صادق علیه السلام به این سؤال، پاسخی بسیار عمیق و جامعه‌شناختی و تاریخی داده و می‌فرماید:

قدرت‌های ستم‌گر و قطب‌های ظلم و جنایت، به قدری با هم خواهند جنگید که نیرو و قدرت‌شان فرسوده می‌شود و به حدی از درون به فساد خواهند رفت که مقاومتشان را از دست می‌دهند و آن‌گاه شما به خود آمده و چون مسلح به نیروی ایمان و آگاهی هستید بر آن قدرت‌های از درون پوسیده و از بیرون فرسوده پیروز می‌شوید و این پیروزی بر اساس منطق و سنت‌های اجتماعی است که در اسلام و قوانین خداوند وجود دارد.<sup>۱</sup>

شهید مطهری به اجمال دیدگاه مذاهب را درباره آینده جهان بدین صورت بیان می‌کند:

پاسخ این که مذاهب درباره آینده چه نظری دارند این است که آنها آینده را توأم با صلح و صفا و استقرار حق و عدالت می‌دانند و معتقدند که روز خدا می‌رسد و در آن مفساد و مظالم برگشت پیدا خواهد کرد. آنها که عمری از راه اعمال زور، چپاول‌گری، ریاکاری به آب و نان رسیده‌اند سقوط خواهند کرد، در واپسین دم حیات بشر، انقلابی سرخ در عرصه حیات رخ خواهد داد و دمار از روزگار بدکاران و بداندیشان درخواهد آمد، در سایه این انقلاب آنها که سران و هیئت زمامدار و

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۴ و غیبت نعمانی، ص ۷۴.

اشراف خوانده می‌شدند فرو خواهند افتاد و آنها که محروم و مستضعف بودند وارث زمین خواهند شد. مذاهب می‌گویند در آینده دولت لغو خواهد شد (بر خلاف نظر مارکسیسم) جامعه‌ای نخواهیم داشت که مردم به تنهایی خود قادر به ادامه حیات باشند. اصل رهبری و وجود رهبر محفوظ است، ولی با این تفاوت که رهبران بر خلاف رهبران گذشته است و حکومت آن هم خلاف حکومت‌های گذشته است.

مذاهب می‌گویند: بشریت در آینده به درجه و رتبتی خواهد رسید که تابعیت از هوا و هوس و تابعیت از فرد را به کناری خواهد گذارد. همه تابع قانون خواهند شد، آن هم قانون خدایی که در آن کینه جویی، بدخواهی، بالابردن فردی بناحق و فروگذاردن حق کسی مطرح نباشد. اسلام، دیدگاه روشنی درباره آینده دارد. مستندات آن از سوی وحی است و با خرافات و جعلیات آمیخته نشده است. زمان آن به ما نزدیک‌تر از دیگر مذاهب است و اطلاعات ما از آن دیدگاه بیشتر و روشن‌تر است.

به صورت خلاصه و مختصر می‌توان گفت بینش اسلامی متوجه سیر صعودی و تکاملی جامعه است؛ بینشی که در این زمینه وارد بینش انقلابی و ویرانگر نسبت به فساد و شورانگیز در امت برای ایجاد آن جامعه نمونه و مورد نظر است. جهان بینی اسلام را در زمینه آینده در این مسائل می‌توانیم عرضه بداریم:

۱. فلسفه خوش‌بینی: در این فلسفه سخن از استقرار حق و عدل و

پدید آمدن عصری طلایی است؛ عصری که نه در گذشته نمونه آن دیده شده و نه در آینده. به انسان‌ها نوید می‌دهد که بکوش تا حوادث را ارزیابی و تحلیل کنی، اگر از سوی باطل بود نگران آن مباش و در برابر آن بایست، مطمئن باش جهان سرانجام به کام توست.

۲. آینده از آن ضعفا: جهان بینی اسلامی آینده را از آن ضعفا، محرومان می‌بیند و قائل است دردهای آنان برای همیشه ثابت و پایدار نیست اگر چه مدت آن طولانی شود استعمار، جاودانه نیست.

۳. لغو نظام‌های بشر ساخته: جهان بینی اسلامی این نوید را می‌دهد که نظامات بشر ساخته، همان نظاماتی که عمری خون به دل ما کرده‌اند و بشریت را به نابودی سوق داده‌اند، فانی و نابود می‌شوند.

جهان بینی اسلامی می‌گوید: در این فنا، نابودی انگلیس و فرانسه ندارد و سوئیس و سوئد فرق نمی‌کند، همه از بین می‌روند. مسئله مارکس و هگل مطرح نیست، این نظامات از میان می‌روند و به جای آنها نظام‌های الهی می‌آیند؛ نظام‌هایی که با فطرت ما سازگارند. افق زیبایی است از آن جهت که جهانی را تصور می‌کند که در آن تاریکی و ناروایی نیست، ظلم و تبعیض نیست، هرچه هست نور است، صفاست، همانندی است، تساوی در برابر دادگاه و قانون است.

۴. استقرار حق و عدالت: جهانی بینی اسلامی درباره آینده این است که در آینده‌ای دور یا نزدیک حکومتی پدید خواهد آمد که در آن، نابودی طرز فکر ناسیونالیستی است. بشریت را آفریده خدا می‌داند و بر سر سفره واحد گردهم می‌آورد.

حکومتی که در آینده پدید می‌آید حکومت «خدا - مردمی» است. منشأ تعالیم از سوی خدا و اجرا و پاسداری آن از سوی مردم است. خواست مردم و تأیید آنها باعث رونق بخشیدن به آن می‌شود. چون منافع توده‌ها در آن ملحوظ است و از قداست و احترامی خاص برخوردار است.

در برخی از روایات اسلامی سخن از دولتی به نام اهل حق است که تا قیام مهدی علیه السلام ادامه پیدا می‌کند و چون از مجموع آیات و روایات استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است «مهدی علیه السلام موعود تحقق بخش ایده آل همه انبیا و اولیا و مردان مبارز راه حق است».

«انتظار فرج» از اولین روزهای غیبت بدل به آرزوی بزرگ مسلمین شد، چنان که این انتظار بدل به عبادتی بزرگ شد؛ به همان سان که ائمه معصومین علیهم السلام از طریق روایات بر آن تأکید فرمودند.

این امیدواری باعث می‌شود تا مؤمنین در میانه همه سختی‌ها خود را محفوظ دارند و تسلیم یأس و نوامیدی نشوند روایات باقی مانده از ائمه معصومین علیهم السلام (حدود ۱۰۰۰ روایت) برای منتظرین و ویژگی‌ها و صفاتی ذکر کرده‌اند.

شهید مطهری برای این انتظار بزرگ کارکردهایی ذکر کرده است که توجه و تاسی بر آنها موجب حفظ کیان اسلام و شیعه در تمامی فراز و نشیب‌های حیات می‌شود.

مشخصات این انتظار بزرگ عبارتند از:

- (۱) خوش بینی به آینده بشریت.
- (۲) پیروزی نهایی صلاح و تقوا و صلح و عدالت و آزادی و صداقت بر زور و استکبار و استعباد و ظلم و اختناق و دجالگری و فریب.
- (۳) حکومت جهانی واحد.
- (۴) عمران تمام زمین در حدی که نقطه خراب و آباد نشده باقی نماند.
- (۵) بلوغ بشریت به خردمندی کامل و پیروزی از فکر و ایدئولوژی و آزادی از اسارت شرایط طبیعی و اجتماعی و غرایز حیوانی.
- (۶) حداکثر بهره‌گیری از مواهب زمین.
- (۷) برقراری مساوات کامل میان انسان‌ها در امر ثروت.
- (۸) منتفی شدن کامل مفسد اخلاقی از قبیل: زنا، ربا، شرب خمر، خیانت، دزدی، آدم‌کشی و غیره... و خالی شدن روان‌ها از عقده‌ها و کینه‌ها.
- (۹) منتفی شدن جنگ و برقراری صلح و صفا و محبت و تعاون.
- (۱۰) سازگاری انسان و طبیعت.<sup>۱</sup>

۱. شهید مطهری، قیام و انقلاب مهدی (عج)، ص ۵۷ - ۶۱.

## ارضای فطرت عدالت خواهی

فلاسفه اخلاق دربارهٔ مصادیق فعل اخلاقی، اختلاف دیدگاه فراوانی دارند، به ویژه در این که آیا فعل خاصی هست که مطلقاً خوب و مورد توجه انسان‌ها باشد، اختلاف نظرها بیشتر است، اما در این میان، همگی به دو چیز اتفاق رأی دارند و آن، گرایش به حق و عدالت است. حق و عدالت بیش از آن که فعل خاصی باشند عناوینی هستند که بر تمامی افعال خوب صدق می‌کنند و نقطه مقابل آنها یعنی ظلم و باطل اوصافی‌اند که همهٔ افعال زشت و ناپسند قابل اطلاق‌اند. بهترین دلیل بر همگانی بودن گرایش به حق و عدالت این است که حتی هیچ ظالمی نمی‌پذیرد فعل خود را ظلم بخواند و هیچ مدعی باطلی، دعوت خود را دعوت به باطل نمی‌داند، بدین روست که هم انوشیروان (که در یک روز چند هزار نفر را قتل عام کرد) خود را عادل می‌خواند و هم امثال مارکس و فروید و دیگر پرچم داران مخالفت با ادیان الهی خود را مدعی به حق می‌دانستند. اما اگر در سراسر تاریخ بشر بنگریم آن چه همواره نمود بیشتری داشته، ظلم بوده، نه عدل، باطل بوده، نه حق. در



طول تاریخ، نمرودها، ابراهیم‌ها را در آتش انداختند، فرعون‌ها در تعقیب و در پی قتل موسی‌ها بودند، علمای درباری دنیاپرست در صدد به صلیب کشاندن عیسی‌ها بوده‌اند ابوسفیان‌ها و ابو جهل‌ها بر محمد‌ها لشکر کشیدند و ابولهب‌ها خاکستر بر سر خیر البشرها ریخته‌اند، و آن چه هنوز هم نمود دارد و مردم می‌بینند باطل و ظلم است و مردم همواره آرزو دارند که شاهد حق و عدل باشند و آن را به عیان ببینند.

از طرف دیگر ما خدا را حکیم می‌دانیم؛ یعنی کار عبث نمی‌کند اگر میل و گرایشی واقعی در نهاد بشر به ودیعت گذاشته باید ماب‌ه‌ازای خارجی نیز برای آن قرار داده باشد؛ یعنی اگر از درون میلی هست باید از بیرون هم کشش باشد تا حق و عدالت فراگیر در جهان تحقق یابد. نتیجه این که به دلیل همین گرایش فطری، انسان باید شاهد تجلی همه جانبه حق و عدل باشد و این وعده، تحقق پذیرد، اما کجا و چه هنگام؟

شاید بگویید خدا به این گرایش فطری انسان در جای دیگر جواب می‌دهد و آن جاست که همه ظلم‌ها جزا داده می‌شود و موازین عدل برپا می‌گردد و به کسی ظلم نمی‌شود و حق آشکار می‌شود و جایی برای باطل باقی نماند و دیگر نیازی نیست که در این دنیا هم چنین چیزی برقرار شود.

پاسخ این است که خدا بشر را در دنیا آفریده تا سیر تکاملی خود را طی کند و در همین دنیاست که باید عمل کند و به اعلیٰ علین برسد، آخرت، باطن و پشت پرده همین دنیاست و چیزی جدای از این دنیا

نیست، پس انسان که در دنیا برای تحقق عدل و حق فراگیر تلاش می‌کند باید در همین دنیا نیز حق و عدل کلی و جهان شمول محقق گردد و در نهایت جامعه آرمانی و مدینه فاضله الهی تحقق یابد تا جبهتی باشد در مقابل کسانی که می‌گفتند در این دنیا نمی‌توان جامعه عادلانه‌ای بر پا کرد و با این بهانه خود را از عرصه وظایف اجتماعی کنار می‌کشیدند، لذا در همه ادیان الهی نه تنها مسئله بقای روح و آخرت و قیامت مطرح شده بلکه وعده تحقق حق و عدل در این جهان نیز داده شده و به اهل حق و عدل بشارت داده که عاقبت در همین جهان خاکی نیز شاهد ظهور و غلبه حق بر باطل و محو ظلم و ستم خواهند بود.

خلاصه این استدلال چنین است:

(۱) گرایش به حق و عدالت فطری انسان است؛

(۲) خدا حکیم است، لذا اگر فطرتی در نهاد انسان گذاشته مابه‌ازای خارجی هم برایش قرار داده است؛

(۳) در سراسر تاریخ مابه‌ازای این گرایش فطری، یعنی حق و عدالتی فراگیر و جهان شمول تحقق نیافته است؛

نتیجه: سرانجام باید روزگاری این حق و عدالت فراگیر تحقق یابد و این، در زمان حکومت منجی بشر، مهدی عج موعود خواهد بود.

خدا حکیم است و کار عبث نمی‌کند و لذا تمامی افعالش هدف دارند. گفتنی است که حکمت درباره خدا یا انسان فرق دارد. وقتی می‌گوییم انسان حکیم است و کار عبث نمی‌کند یعنی از افعالش قصد و منظوری دارد و می‌خواهد نیازی از خویش را مرتفع سازد. اما

در مورد خدا چون بی‌نیاز مطلق است، هدف داری او به معنای برطرف کردن نیاز خویش نیست بلکه افعالی‌اند که برای خود هدفی دارند و حکمت خدا اقتضا می‌کند که هر چه آفریده به هدف خود برسد. یکی از افعال خداوند، آفرینش انسان است و این به قدری اهمیت دارد که خود خداوند پس از آفرینش انسان بر خود آفرین گفته و خود را «احسن الخالقین» معرفی نموده است. پس برای تحقق هدف آفرینش چنین موجودی، انسان باید به کمال شایسته خود برسد.

از سوی دیگر زندگی انسان دو جنبه دارد: فردی و اجتماعی، معنای این دو جنبه آن است که فقط تکامل فرد برای حصول هدف آفرینش انسان کافی نیست بلکه جامعه نیز باید به کمال مطلوب خویش برسد. این نکته به خصوص زمانی خوب فهمیده می‌شود که بدانیم بر خلاف نظر برخی روان‌شناسان تنها فرد نیست که اصالت دارد، بلکه جامعه نیز به خودی خود، اصیل است.

نتیجه این که به کمال رسیدن جامعه بشری و حصول مدینه فاضله نیز جزء اهداف آفرینش انسان است و باید تحقق یابد و تحقق چنین جامعه‌ای منوط به وجود منجی بشری مؤید از جانب خدا و برقراری حکومت عدل و قسط در سراسر جهان می‌باشد.

### خلاصه استدلال

۱. خداوند حکیم است و لذا خلقت انسان هدف دارد؛
۲. هدف از خلقت انسان صرفاً تکامل فرد نیست بلکه تکامل جامعه

نیز هست؛

نتیجه: جامعه کمال یافته - که تا کنون تحقق نیافته - باید عینیت یابد. آینده برای ما بستر مناسبی برای تحقق عمیق‌ترین گرایش‌ها و آرزوهای فطری است، عشق به نیکی‌ها، زیبایی‌ها، عدالت، صلح، همبستگی و بسیاری از امیال متعالی ما در عصر ظهور تحقق می‌یابد و این باعث می‌شود که ما به آن آینده بسیار دل‌بستگی و شیفتگی داشته باشیم و به درستی هنگامی منتظر واقعی خواهیم بود که زمینه‌ها را برای تحقق آن جامعه آرمانی فراهم کنیم.

## سازندگی فردی

یکی از کارکردهای مهم انتظار، «خودسازی» است؛ آموزه‌ای که در اسلام، بر آن بسیار تأکید شده است و فلسفه ارسال رسولان و نازل شدن کتاب‌های آسمانی بر آن بوده که نخست، فرد به سازندگی خویش بپردازد و صفتهای ناپسند را از خود دور سازد و زنگارهای گونه‌گونی که بر قلب می‌نشینند، بزداید. چنان که قرآن و وظیفه پیامبر ﷺ را همین تهذیب ذکر می‌کند: ﴿وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾<sup>۱</sup>. پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز می‌فرماید:

إِنِّي بَعثْتُ لِأَتْمُمَ مَكَارِمِ الْإِخْلَاقِ؛<sup>۲</sup> من برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را تکمیل کنم.

آن چه که انتظار را معنا دار می‌کند، خودسازی است، زیرا فردی که در انتظار مصلح نشسته است خود باید صالح و خودساخته باشد. انسان منتظری که به تزکیه و تهذیب، اهتمام ندارد، بسیار بی‌معنا و تناقض‌آمیز

۱. جمعه، آیه ۲.

۲. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۵۲.

است، چون به راحتی می‌پرسند: در انتظار چه کسی، با چه ویژگی‌هایی و برای چه اهدافی؟

بی‌تردید، حضرت منتظر علیه السلام خود در انتظار روزی نشسته است که به اذن حضرت حق ظهور کند و یک بار دیگر با صلابت و صراحت، پیام همه پیامبران و اولیا و صالحان گذشته را در مسیر خودسازی و سپس جامعه‌سازی ابلاغ کند. یاران او هم خودساختگانی هستند که با شناخت عمیقی از خود و هستی، نقش تربیتی خود را به خوبی ایفا کرده‌اند.

### خداپرستی

گام نخست برای فرد منتظر در مسیر خودسازی، «خداپرستی» و اجتناب از شیطان‌پرستی است. توحید و یکتاپرستی و مبارزه با شیطان است که انتظار را معنا می‌بخشد و همه حرکات‌های انسان را به سمت و سوی واحدی سوق می‌دهد.

پرستش خدا، در واقع عهده‌ای است که از روز ازل و هنگام آفرینش، خدا با بشر بسته است، در قرآن می‌خوانیم:

﴿الَّذِينَ كَفَرُوا يَتَّبِعُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ

عَدُوٌّ مُّبِينٌ \* وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾؛<sup>۱</sup> ای فرزندان

آدم، مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را پرستید، زیرا وی دشمن

آشکار است و این که مرا پرستید، این است راه راست.



دغدغه مهم حضرت هم آن است که بشر به این عهد الهی، پای بند باشد؛ چنان که ایشان فرموده است:

ولو أنّ أشیاعنا - وفقهم الله لطاعته - علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم لما تأخر عنهم الیمن یلقائنا؛<sup>۱</sup> اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را به اطاعت خویش موفق گرداند - در وفای به عهد الهی، هم دل و هم پیمان می شدند، سعادت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی افتاد. شایان ذکر است، عهد الهی، چیزی جز پرستش خداوند متعال نیست و این کارکرد مهم انتظار است که آدمی را به پیمان نخستینی که با حضرت حق، برای پرستش او بسته است، رهنمون می کند.

### پرهیزگاری

پرهیزگاری، ملاک و معیاری است که همه رفتارهای آدمی را با آن می سنجند و قوه‌ای است که آدمی با ایجاد آن، تمام اعمال خویش را جهت دار و پرمعنا می سازد. جای گاه تقوا و پرهیزگاری در آموزه‌های دینی، چنان رفیع و پر عظمت است که تقرّب و ارجمندی آدمیان در نزد خدا، با آن سنجیده می شود: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾.<sup>۲</sup>

بی شک این مهم از مقوله «تقوای گریز» نیست، بلکه تقوایی است که هم فرد و هم اجتماع را به سازندگی سوق می دهد و منتظر کسی است که «تقوای مثبت» را در خود، پرورش دهد و کارکرد مهم انتظار، بروز

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

۲. حجرات، آیه ۱۳.

چنین حالتی در وجود شخص است. با این مبنا فرد منتظر، بی‌مبالات نیست و با پرهیزگاری به مرزهای گناه و حرام، نزدیک نمی‌شود.

در احادیث اسلامی به دلیلِ پر اهمیت بودنِ «انتظار» آن را هم ردیف «پرهیزگاری» قلمداد کرده‌اند چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

اجتنابُ المَحَارِمِ و انتظارُ الفَرَجِ.<sup>۱</sup>

و در جای دیگر، انتظار و پرهیزگاری را شرط یاری امام زمان قرار داده است:

مَنْ سَرٌّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ؛<sup>۲</sup> هر کس شادمان می‌شود به این که از یاران حضرت قائم باشد، پس انتظار بورزد و بر پایه تقوا و خوش خلقی، رفتار نماید، در حالی که منتظر است.

## اخلاق نیکو

کارکرد مهمی که می‌توان از «انتظار» توقع داشت، آراستنِ فردِ منتظر به اخلاقِ پسندیده و حُسنِ معاشرت با مردم است. بی‌شک منتظرانِ واقعیِ حضرت، وی را همچون پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، تلاش‌گری بزرگ در جهت تکمیل مکارمِ اخلاق می‌دانند و اساساً ظهور او را برای همین منظور، لازم می‌دانند؛ یعنی برای اصلاحِ زشتی‌های اخلاقی و پلیدی‌های اجتماعی. از این رو، خود باید به بهترین اخلاق آراسته

۱. شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۷۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰.

باشند. یاوران آن حضرت، خوش اخلاق‌ترین افراد جامعه اسلامی اند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که:

و انتظار الفرج بالصبر و حُسن الصُّحبة و حسن الجوار.<sup>۱</sup>

مطابق این حدیث، انتظار به حرف و سخن نیست، بلکه در کردار نیکوی شخص، نمودار می‌گردد: با صبر، با نیکو سخن گفتن با رفتارهای پسندیده در همسایگی و هم‌نشینی.

### مهرورزی

انسان منتظری که خود و هستی را شناخته و با این شناخت، «خدا» را دریافته است به او عشق می‌ورزد و با همین ویژگی، عاشق همه موجودات او نیز می‌شود: «عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست». در این میان، بیشترین علاقه او، به «انسان» است که هم نوع خویش می‌باشد و نیازها و خواسته‌های همانند او دارد. لذا در سراسر آموزه‌های دینی، مهر و محبت به بندگان خدا، نشانه بارز ایمان شناخته شده است. اساساً بنا به فرمایش امام صادق علیه السلام دین چیزی جز محبت نیست: «هل الدینُ الا الحبُّ».<sup>۲</sup>

کارکرد انتظار آن است که این حالت مهرورزی را در فرد منتظر، تقویت می‌کند، زیرا باید منتظران ظهور او را دوست داشت و از احوال شان جو یا شد و به آنان مهر ورزید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۷ و بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۹۵.

طوبى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ يَأْتُمُّ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ، وَ يَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَ يُعَادِي أَعْدَاءَهُ؛<sup>۱</sup> خوشا به حال کسی که «قائم اهل بیت» مراد رک کند در حالی که در زمان غیبتش و قبل از قیام به او اقتدا نموده و دوست بدارد دوستانش را و با دشمنانش دشمنی کند:».

این محبت و مهرورزی باید به بندگان ویژه خدا بیشتر باشد و هر مؤمنی به دلیل ویژگی‌های فطری خود باید بکوشد با عمل به واجبات و ترک محرمات و نیز دیگر وسیله‌ها، زمینه‌های محبت، به اهل بیت را فراهم آورد، امام زمان علیه السلام می‌فرماید: «فيعمل كلُّ امرئٍ منكم بما يقربُ به من محبتنا».<sup>۲</sup>

### زهد و رزی

سالک با زهد و رزی، مقامات سلوک را چالاکانه می‌پیماید و به قله‌های رفیع معنویت، دست می‌یازد. همه سالکانی که در این مسیر گام نهاده‌اند، ملاک و معیار مهم را «زهد» دانسته‌اند. تعریف درست زهد به قول امام علی علیه السلام<sup>۳</sup> در این آیت قرآنی است که:

﴿لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾؛<sup>۴</sup>

تا بر آن چه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به سبب آن چه به شما داده است شادمانی نکنید.

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۲.

۲. همان، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

۳. نهج البلاغه، کلمات قصار ۴۳۹: «الزهد كله بين كلمتين من القرآن...».

۴. حدید، آیه ۲۳.

اما تردیدی نیست که یکی از جنبه‌های مهم زهد، ساده زیستی است. اساساً گرایش به «تجمل» با سلوک، سازگار نیست. انسان‌هایی که برای خود، زندگی پر زرق و برقی، فراهم آورده‌اند و در عین حال از زهد و عرفان، دم می‌زنند، به تناقض گرفتار آمده‌اند و ادعای پوچ می‌کنند.

امام و اسوه ما در روزگار کنونی یعنی حضرت حجت علیه السلام، مصداق بارز زهدورزی و دوری از تجملات است، چنان که امام رضا علیه السلام در توصیف ایشان می‌فرماید:

ما لباسُ القائمِ إِلَّا الغليظَ و ما طعامُهُ إِلَّا الجَشَبَ؛<sup>۱</sup> لباس قائم ما چیزی

نیست جز پوشاکی خشن و غذای او چیزی نیست جز طعامی خشک:

کسانی که ادعای پیروی از این امام بزرگ را می‌کنند نباید حریصانه به دنبال دنیا باشند و همّت خود را در نیکو پوشیدن و خوردن و لذت بردن، خلاصه کنند.

## سازندگی اجتماعی

گفتیم که ره‌آوردهای اولیة انتظار، خودسازی در ابعاد گوناگون است، اما تردیدی نیست که این سازندگی فردی، خود به خود به عرصه‌های اجتماعی کشیده می‌شود و در تعامل با جامعه و مردم، معنا و مفهوم واقعی خود را پیدا می‌کند. رهبانیت و دوری از اجتماع و بی‌خبر بودن از دردهای مردم، از آموزه‌های وحی و سیرت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم دیگر علیهم السلام به دور است. به دلیل اهمیت این موضوع در این جا به پاره‌ای از کارکردهای اجتماعی انتظار اشاره می‌کنیم:

### دستگیری و تعاون

در دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام که فتنه‌ها به فزونی می‌رسند و نابسامانی‌های اجتماعی افزایش می‌یابد، بسیاری کسانانی که زیر ستم قرار می‌گیرند و از حقوق مسلم خویش محروم می‌مانند. شیعه منتظر اگر چه نتواند تغییری بنیادین در جامعه ایجاد کند، حداقل تا آن جا که توان دارد ضعیفان و بیچارگان را دست‌گیری



می‌نماید، به فقیران و مستمندان، عطا و عطف می‌ورزد و در خیرخواهی دیگران کوتاهی نمی‌کند. حفظ اسرار دیگران می‌کند، تحمل مسئولیت می‌نماید، در رفع مشکلات دیگران می‌کوشد و هرگز کمبودهای مردم را به گردن رهبران معصوم خویش نمی‌اندازد.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

باید نیرومندان شما به ناتوانان کمک کنند و توان‌گران به مستمندان برسند، هر یک از شما باید چنان که نیک‌خواه خود است، در مقابل برادر دینی خود هم‌چنین باشد. شما باید اسرار آل محمد علیهم السلام را فاش نسازید و مردم را بر سر ما نشورانید... اگر این چنین بودید و بدین گونه که سفارش می‌کنیم رفتار کردید... هر یک از شما اگر از جهان درگذرد و قائم ما را درک نکرده باشد، شهید به شمار خواهد آمد.<sup>۱</sup>

به راستی که یکی از زیباترین جلوه‌های کارکرد اجتماعی انتظار، همین یاری‌رسانی‌هاست. کسی که خود را آماده می‌کند تا در دوران ظهور در رکاب امام قائم خویش برای براندازی ستم و برقراری عدالت در سراسر گیتی جهاد و مبارزه کند، اکنون در دوران غیبت چگونه می‌تواند در برابر رنج ستم‌دیدگان و محرومان و بیچارگان ساکت و بی‌تفاوت باشد.

### استقامت و شکیب‌ورزی

مشکلات گوناگونی که از جوانب مختلف برای انسان پیش می‌آید و

فتنه‌ها و مصائب طاقت فرسایی که بر سر راه، باورمندانِ چشم انتظار وارد می‌آید، احساس تنهایی، آنان را چنان می‌شکند که برای ناامید نشدن، استقامتی کوه سان می‌طلبند. از این روست که رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

طوبیٰ للصابرین فی غیبته، طوبیٰ للمُقیمین علیٰ محبته؛<sup>۱</sup> خوشا به حال صبرکنندگان در دوران غیب مهدی، خوشا به حال پابرجایان در مقام محبت او.

در جای دیگر دست به دعا برداشت و عرض کرد: پروردگارا، برادرانم را به من بنمایان. یکی از یاران پیامبر که در جمع حاضر بود گفت: آیا ما برادران شما نیستیم ای رسول خدا؟! آن حضرت فرمود: نه، شما اصحاب من هستید و برادران من قومی در آخر زمان هستند فرمود:

سختی استقامت هر یک از آنان بر دین خود، بیشتر از سختی کسی است که در شبی ظلمانی بخواهد بوته خاری را با دست خود از خار پیراید، یا کسی که بخواهد ذغال گداخته سوزانی را در مشت بگیرد. آنان چراغ‌های فروزان شب‌های ظلمانی‌اند.<sup>۲</sup>

امتحانات الهی یکی پس از دیگری برای مؤمنین پیش می‌آید و میزان صبر و استقامت آنان را به بوته امتحان می‌گذارد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۶.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۱۲۳ و الزام الناصب، ص ۱۲۷.

امر فرج برای شما نمی‌رسد مگر پس از نابودی، نه به خدا سوگند،  
نمی‌رسد مگر پس از آن که خوب و بد از هم جدا شوند، نه به خدا  
سوگند، نمی‌رسد مگر پس از آن که در اثر آزمایش‌های گوناگون خالص  
و پاک شوید.<sup>۱</sup>

اساساً انتظار با آن همه فضایل و برکتی که دارد جز با صبر و شکیبایی  
حاصل نمی‌شود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

انتظارُ الفرَجِ بالصَّبْرِ عِبَادَةٌ؛<sup>۲</sup> با صبر و استقامت، منتظرِ فرج بودن  
عبادت است.

امام رضا علیه السلام هم می‌فرماید:

ما أحسنَ الصَّبْرِ و انتظارَ الفرَجِ... فَعَلَيْكُمْ بالصَّبْرِ؛<sup>۳</sup> چه نیکوست  
شکیبایی به همراه انتظار فرج... بر شما باد، استقامت و شکیب‌ورزی.

### تقویت انگیزه ظلم ستیزی

مسلمان معتقد به اصل انتظار در برابر بی‌عدالتی‌ها ایستادگی می‌کند  
و هرگز تسلیم زورگویی‌های مستکبران نمی‌شود و همواره تلاش  
می‌نماید تا از طریق بر طرف ساختن تمام نارسایی‌ها زمینه برای  
تشکیل حکومت عدل جهانی فراهم شود و در این راستا اگر در برهه‌ای  
از زمان به جهت تسلط بیش از حد زورمداران و طاغوت‌ها دچار انواع  
شکنجه‌ها و فشارها شده نه تنها روحیه خود را نمی‌بازد بلکه ضمن

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۶ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۵.

۳. همان، ص ۱۲۹.

یادآوری وعده صدق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمودند:

اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی می باشد خداوند متعال آن یک روز را به اندازه ای طولانی خواهند ساخت تا مردی از فرزندان من که نامش نام من و کنیه اش کنیه من است ظهور نماید و زمین را پس از پر شدن از ظلم و ستم با عدل و داد پر سازد.<sup>۱</sup>

هر لحظه بیش از پیش به مقاومت و پایداری خود خواهند افزود تا سهم بیشتری را در زمینه سازی پیروزی حق بر باطل به خود اختصاص دهند.

### دور ماندن از فساد محیط

یکی از آثار مهم اصل انتظار آن که فرد را از تسلیم در برابر آلودگی ها و حل شدن در فساد محیط و خودباختگی در مقابل انواع عوامل منحرف کننده داخلی و خارجی باز می داد.

طبق روایات زیادی در دوره غیبت امام زمان علیه السلام عوامل انحراف و موانع پای بندی به ارزش های الهی آن چنان افزایش پیدا می کند که بیشتر مردم به سبب ضعف ایمان و زرق و برق بیشتر امور مادی و وسوسه شیطان و هواهای نفسانی به فساد و تباهی کشیده می شوند در چنین شرایطی یکی از عوامل مهمی که می تواند انسان را به خویشتن داری دعوت کند امید به اصلاح نهایی است که اصل انتظار به آن دلالت دارد.

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۴.

بنابراین انتظار ظهور امام زمان علیه السلام از نظر روانی، انسان را در مقابل امواج سهم‌گین فساد و آلودگی مقاوم می‌سازد و از حل شدن وی در آلودگی محیط جلوگیری می‌کند. در صورتی که وجود یک برنامه منسجم در زمینه احیا و گسترش فرهنگ انتظار می‌تواند با شبیخون فرهنگی دشمنان که مخصوصاً روح و اندیشه قشر جوان را هدف قرار داده است مقابله کرد.

### جهاد مستمر

سخن زیبای «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» یک اصل محوری در منطق دین است که به نظر می‌آید در عصر غیبت ظهور و تحقق بیشتر دارد، شاید همین بینش بوده که عده‌ای از مؤمنان را همواره در هم سویی به حضرت آماده نگه می‌داشت، توصیه به تیز کردن شمشیرها، اسب زین کردن در روز جمعه و به راه انداختن آن، دعای ندبه سردادن، همه در راستای آمادگی جهادی است.

یاقوت حموی، (مورخ معروف قرن هفتم) می‌نویسد: در سال‌های نخست حمله مغول، در شهر کاشان - از کانون‌های عمده تشیع در ایران - مردم شهر هر روز هنگام سپیده دم از دروازه خارچ می‌شدند و اسب زین کرده‌ای را یدک می‌بردند تا حضرت مهدی علیه السلام در صورت ظهور بر آن اسب سوار شود. در زمان فرمانروایی سربداران هم نظیر همین عمل در شهر سبزوار، که یکی از مراکز تشیع شمرده می‌شد، معمول بوده است؛ به طوری که می‌خوانند

در روضه الصفا می نویسد:

هر بامداد و شب، به انتظار صاحب الزمان اسب کشیدندی.

### ایجاد حساسیت در برابر وضعیت اجتماعی

از دیگر آثار و کارکردهای انتظار، اعتراض است. انسان منتظر، معترض به وضع موجود است و می خواهد وضعیت موجود را به وضعیت ایده آل و آرمانی تبدیل نماید. انسان منتظر به وضع موجود نه می گوید و از وضع فردی و اجتماعی خود خشنود نیست؛ حتی اگر این وضع موجود پذیرفتنی و بر حق باشد باز می خواهد این وضع را به شرایط مطلوب تر متحول نماید. در حقیقت، انتظار فعال سنتز تضاد میان دو اصل متناقض حقیقت و واقعیت است، تضاد میان واقعیت باطل حاکم و حقیقت نجات بخشی محکوم را جز به انتظار به پیروزی جبری و قطعی حقیقت نمی توان حل کرد. انتظار یعنی نه گفتن به آن چه که هست، کسی که منتظر است در نفس انتظار خود اعتراض به وضع موجود را پنهان می دارد. حتی انتظار منفی، خود یک اعتراض است، کسی که از «حال» خشنود است منتظر نیست و بر عکس، محافظه کار از آینده می هراسد.

اعتقاد به انتظار، حفظ وحدت و تسلسل تاریخی در آغاز بشریت (خلقت آدم و حوا) تا انقلاب نهایی حضرت مهدی است. در حقیقت انتظار چهار اصل اساسی توحید، نبوت، امامت و غیبت را به هم اتصال می دهد، چرا که انبیای الهی از آدم تا خاتم النبیین پیام آور فرمان های

خداوند برای بشر بودند. پس امامان بزرگوار این رسالت را بر دوش گرفتند و در نهایت، حضرت مهدی این رسالت الهی و پرچم عدالت خواهی را بر دوش دارد. بنابراین فلسفه انتظار نشان می‌دهد که در جهان بینی توحیدی انقطاع تاریخی معنا ندارد و هیچ گاه اعوجاج، بریدگی و انحرافی در مسیر عدالت خواهی در فلسفه تاریخی شیعه وجود ندارد.

نقش این وحدت تاریخی در زندگی عینی و اجتماعی مسلمانان، اعطای هویت فرهنگی و دینی به آنان است، چرا که اصل انتظار به ما می‌آموزد که هویت فرهنگی ما از آغاز خلقت تشکیل یافته است و تا انتهای تاریخ از یک مسیر و قوانین مشخص پیروی می‌نماید.

یکی از دلایل عمده خودباختگی و بی‌هویتی پاره‌ای از کشورهای اسلامی، دچار شدن آنان به انقطاع تاریخی است و در واقع غربیان در تبلیغ، تعمیق و باوراندن این انقطاع تاریخی و فرهنگی برای استعمار و استثمار ملل مسلمان، سعی بسیار می‌نمایند و تلاش آنان مصروف این مسئله است که به ما بقبولانند دارای هویت تاریخی و فرهنگی معین، مستقل و دینی نیستیم و آن چه هست فرهنگ و تمدن غربی است. اما اعتقاد به انتظار این تسلسل تاریخی و وحدت فرهنگی را تأیید می‌نماید و با حفظ و ایجاد تسلسل تاریخی جهان اسلام، همانند امت واحدی خواهد شد که اسلام از آن سخن می‌گوید.

نکته دیگر این که اشتیاق به وضع مطلوب، تصویر جامعه آرمانی یا مدینه فاضله اساساً چه فوایدی برای ما دارد.



بهترین و واقعی‌ترین شکل ادارهٔ جامعه، در حکومت امام مهدی است و معیار مناسبی است برای ارزیابی وضع موجود و درک فاصله با وضع مطلوب، به تعبیر برخی متفکران، داشتن تیپ‌های ایده‌آل می‌تواند ما را در ارزیابی وضع موجود و فاصله‌ای که ما با آن شرایط مطلوب داریم رهنمون باشد، مسئله جامعه آرمانی هم این اثر را دارد ما جامعهٔ موجود را در آینه آن جامعه می‌توانیم جست‌وجو کنیم و همواره وضع موجود را در مقایسه با آن جامعه ببینیم و فاصله خودمان را دریابیم.

### سبب کارآمدی دولت‌ها

توسعه نیافتگی، بزرگ‌ترین مشکل جوامع اسلامی است که از ناکارآمدی سیاسی در سطح مدیریت‌های کلان جهان اسلام نشئت می‌گیرد. بنابراین کارآمدی سیاسی برترین چالش جوامع اسلامی است و با توجه به این که نظام سیاسی مهدوی، نظامی کارآمد بوده می‌تواند به عنوان الگوی مورد مطالعه قرار گیرد.

یک: کارآمدی دولت کریمه، در سه مرحله به شرح زیر قابل اقتدا و شبیه‌سازی است:

#### الف) مرحله انتظار و دولت منتظر:

اندیشه انتظار پویا می‌تواند چشم‌انداز علمی و عملی سیاسی روشنی پیش روی جوامع اسلامی قرار دهد جامعه سیاسی و دولت منتظر با در دست داشتن الگوی عملی برتر و با امید دستیابی به آن

به عنوان مبنای ارزیابی و نقادی همواره با القای عدم رضایت عمومی هر ناسازواری ایستاده و پیوسته در کشش و کوشش برای زمینه‌سازی و دست‌رسی به مراحل برتر می‌باشد: بدین ترتیب، نفس انتظار دولت کریمه، کرامت‌آور دولت‌ها و جوامع اسلامی خواهد بود.

ب) دولت انقلاب و انقلابی در دولت:

دو: ارکان دوگانه انقلابی‌گری دولت کریمه مهدوی که ظرفیت

شبیه‌سازی در جوامع اسلامی را دارند به ترتیب زیر هستند:

۱. تحول‌آفرینی و اصلاح‌گرایی راهبردی بنیادین، فراگیر، نظام‌مند و نمایی که در تحول دولت و نظام سیاسی و جای‌گزین دولت حق و اصلاح مردم و جامعه سیاسی فراهم می‌آید: «لیصلح الامة بعد فسادها».

۲. شکل‌دهی به توده مردم و سازماندهی و ساختار بخشی در قالب

مردم‌گرایی مهدوی.

ج) نظام سیاسی و دولت نهادین:

یک نظام سیاسی مهدوی از دو جهت کارآمد بوده و در ارتقای

کارآمدی سیاسی مدیریت‌های کلان سیاسی جوامع اسلامی قابل اقتدا

است که در سه محور اساسی نمود دارد: توسعه اقتصادی، تعادل

سیاسی و تعالی فرهنگی.

سه: سازمان کارآمد سیاسی دولت کریمه مهدوی و کارآمدی

سازمان سیاسی دولت‌های حاکم بر جوامع جهان اسلام که شامل

عناوین زیر است:

الف) قوا، ارکان و نهادهای دولت؛

ب) تقسیم و تجزیه قوای دولت؛

ج) تنظیم و سازمان قوای دولت.

چهار: ساختار و نظام اداری کارآمد مهدوی و کارآمدی ساختار اجرایی جوامع و دولت‌های جهان اسلام که در نظام اداری مهدوی با شاخصه‌های خدمت به مردم و اهداف دولت و نظام سیاسی، سهولت و روانی، سرعت و دقت، سبکی و کم‌هزینگی، نظام‌مند و سازواری، رسایی و کمال و... قابل بهره‌وری و الگوپذیری است.

پنج: سیاست‌های راهبردی کارآمد مهدوی و کارآمدی سیاست‌های راهبردی دولت‌های جوامع اسلام که در ترسیم و تنظیم سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی، حقوقی و قضایی و نیز اعمال سیاست‌ها که شامل نظارت، کنترل و بازسازی سیاست‌ها است قابل بحث است.

شش: طرح جامع و راهبردی کارآمد مهدوی و کارآمدی طرح راهبردی و جامع اسلامی.

هفت: برنامه راهبردی و عملیاتی کارآمد مهدوی و کارآمدی برنامه راهبردی دولت‌های اسلام.

نتیجه: با الگوگرفتن از جامعه ایده آل مهدوی در عناوین و محورهای یاد شده می‌توان جوامع اسلامی را در موارد ذیل کارآمد نمود:

(۱) نظام سیاسی

(۲) دولت

- (۳) سازمان سیاسی
- (۴) نظام اداری و ساختار اجرایی
- (۵) سیاست‌های کارآمد
- (۶) کارآمدی طرح‌های راهبردی
- (۷) کارآمدی برنامه‌های راهبردی.<sup>۱</sup>

---

۱. برگرفته از مقاله «آینده بشریت از چشم‌انداز و تئوری پردازان تاریخ»، محمد رضا ضمیری، ویژه پنجمین گفتمان مهدویت.

## تأسیس و پویا ساختن نهاد وکالت

با شروع دوران غیبت، مرحله انتظار آغاز شد. طبیعی بود که با غیبت امام علیه السلام بییم آن می رفت که جامعه شیعی از هم بگسلد و دشمنان از این خلأ بهره برداری کنند، اما با تأسیس نهاد وکالت، رشته ارتباط میان امام و مردم برقرار شد. این نهاد وکالت، کارکردهای انتظار را پویاتر ساخت و شوق و امید را در دلها برانگیخت. از آن جا که نهاد وکالت از ره آوردهای انتظار است در این جا درباره آن بحث می کنیم.

دوران غیبت صغری با ویژگی هایی از ادوار پیشین و پسین خود، باز شناخته می شود. از جمله مهم ترین وجوه تمایز این دوران با دوره های پیشین، محروم ماندن شیعیان از فیض حضور آشکار امام علیه السلام در متن جامعه است.

تا سال ۲۶۰ قمری، شیعیان به جز در زمان هایی که امامان شیعه علیهم السلام در زندان به سر می بردند یا در خانه خود زیر نظر بودند، آزادانه با آنان ارتباط داشتند و به طور مستقیم از هدایت و فیض معنوی شان بهره مند می شدند. در این سال با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام به ناگاه شیعیان

با شرایط ویژه‌ای روبه‌رو شدند. آنان به یک باره، امام خویش را در پس پرده غیبت یافتند. به‌طور طبیعی، نخستین پرسش و چشم داشت شیعیان در شرایط جدید، این بود که چگونه می‌توانند با امام خویش، ارتباط برقرار کنند و چاره مشکلات خویش را از او بجویند؟ این پرسش بی‌پاسخ نماند و در نخستین فرصت پس از آغاز غیبت صغری، راه دست‌یابی به امام علیه السلام و چگونگی ارتباط با او در شرایط پدید آمده، به آگاهی گروهی از شیعیان رسید.

### علل تشکیل نهاد وکالت و استمرار فعالیت آن تا انتهای عصر غیبت

نهاد وکالت در زمان قبل از غیبت هم وجود داشت. لذا یک سؤال اساسی این است، که چرا ائمه علیهم السلام به تشکیل و استمرار فعالیت چنین نهادی اقبال نمودند و چه عوامل و زمینه‌هایی در میان بود که موجب می‌شد ائمه هدی علیهم السلام به‌طور جدی این نهاد و اعضای آن به حفظ و توسعه آن همت بگمارند. این عوامل را می‌توان تحت عناوین زیر ذکر نمود:

#### ۱. لزوم ارتباط بین رهبری و پیروان

به نظر می‌رسد یکی از عوامل اساسی ایجاد این نهاد، لزوم ارتباط بین امامان معصوم علیهم السلام و پیروان آنهاست. در هر نظام دینی، سیاسی و اجتماعی ارتباط بین رهبری و اعضای آن نظام اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین می‌بایست کسانی از سوی امامان شیعه تعیین می‌شدند که به‌عنوان وکلای آنان نقش ارتباطی بین شیعه و آنها را ایفا می‌کردند. این

مسئله زمانی روشن تر می شود که به گستردگی عالم اسلامی در آن عصر و پراکندگی شیعیان در نقاط مختلف، اعم از عراق، حجاز، ایران، یمن، مصر و مغرب توجه کنیم و طبیعی است که همه شیعیان توانایی مسافرت به مدینه یا سایر مراکز سکونت امامان علیهم السلام را نداشتند. پس لازم بود کسانی به عنوان نمایندگان آنان و افراد مورد اعتماد و شناخته شده به این مناطق دور و نزدیک اعزام شوند و رابط بین رهبری و پیروانش باشند.

### ۲. جو خفقان عباسی و لزوم حفظ شیعیان و مکتب توسط امام علیه السلام

وجود جو خفقان را نمی توان علت اصلی تشکیل «نهاد وکالت» دانست، ولی به طور قطع، وجود چنین جوئی می تواند علت تشدید فعالیت این نهاد و گسترش و توسعه آن باشد. از این رو، در عصر امام کاظم علیه السلام و در عصر امام هادی علیه السلام مواجه با اوج فعالیت این نهاد هستیم.

### ۳. آماده سازی شیعه برای عصر غیبت

بی تردید، یکی از عوامل روی آوری ائمه علیهم السلام به این نهاد، آماده سازی شیعه برای پذیرش وضعیت جدید در عصر غیبت بوده است. عصری که در آن، شیعه جز از طریق سفرا و وکلای امام علیه السلام امکان ارتباط با امام و رهبر خویش را ندارند. با توجه به همین حقیقت بود که هر چه شیعه به عصر غیبت نزدیک تر می شد، راه ارتباط مستقیم او با امام نیز محدودتر می گشت و نهاد وکالت نیز تقویت می شد. تا حدی که



در عصر دو امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام غالب امور شیعه با این دو امام بزرگوار از راه مکاتبه و از طریق وکلا و نمایندگان صورت می گرفت. از این رو، می توان گفت: حداقل در عصر دو امام عسکری تقویت «نهاد وکالت» به سبب تمهید و زمینه چینی برای ورود شیعه به عصر غیبت بوده است.

#### ۴. رفع بلا تکلیفی شیعه در عصر غیبت

وقتی به عصر «غیبت صغری» می رسیم، با توجه به اختفای کامل امام علیه السلام و غیبت او از انتظار، ضرورت وجود این نهاد بیشتر رخ می نماید، چرا که تنها راه ارتباطی شیعه با امام علیه السلام سفر او وکلا بودند. در این عصر، وکلا و سفرای خاص و عام امام علیه السلام به عنوان تنها مرجع برای شیعه، در مشکلات سیاسی، فکری، اجتماعی، اقتصادی و دینی بودند. همین طور در عصر بعضی از ائمه مثل امام کاظم یا دو امام عسکری که شیعه دسترسی به امام نداشت وکلا، مرجع مطمئنی برای شیعیان بودند.

#### محدوده زمانی و مکانی فعالیت نهاد وکالت

با توجه به شواهد و قرائن، باید نقطه شروع فعالیت «نهاد وکالت» را عصر امام صادق علیه السلام بدانیم. این نهاد به طور مستمر بافت و خیزهایی، به فعالیت خود ادامه داد، به این معنا که کار آن در عصر هیچ یک از ائمه بعدی علیه السلام به تعطیلی کشیده نشد، اما در عصر غیبت صغری پویاتر و فعال تر شد و یکی از حساس ترین و مهم ترین دوران فعالیت این نهاد

پیش آمد، چرا که با غیبت امام معصوم علیه السلام تنها ملجأ و مرجع شیعیان، وکلا و نواب آن حضرت بودند.

بنابراین «نهاد وکالت» با قدرت و در مقیاس وسیع به کار خود ادامه داد. این فعالیت تا سال (۳۲۹هـ) که همزمان با تاریخ وفات چهارمین سفیر و نایب حضرت حجت علیه السلام است، ادامه داشت. در این سال با شروع دوران کبری و قطع ارتباط با حضرت به واسطه سفرای خاص، کار «نهاد وکالت» به یک معنا به اتمام رسید، چرا که این نهاد تا این زمان متشکل از کسانی بود که به طور مستقیم توسط خود امام معصوم علیه السلام به عنوان وکیل انتخاب می شدند، ولی با شروع عصر غیبت کبری وظایف وکلا بر دوش فقهای جامع شرایط سپرده شد و چنین نبود که فقیه یا فقهای خاصی توسط امام عصر علیه السلام به عنوان وکیل یا وکلای آن حضرت تعیین شوند.

لذا اگر چه وکالت امام به معنای عام، برای فقیهان در عصر غیبت وجود دارد ولی این دیگر تحت مباحث مربوط به «نهاد وکالت» نمی گنجد. پس می توان از نظر زمانی، محدوده فعالیت این نهاد را از عصر امام صادق علیه السلام تا پایان عصر غیبت صغری دانست.<sup>۱</sup>

اما از نظر محدوده مکانی فعالیت این نهاد، با توجه به این که شیعیان در دوران فعالیت این نهاد در نقاط مختلف عالم اسلامی پراکنده بودند، با قطع نظر از شواهد تاریخی، بایستی انتظار داشته باشیم که این نهاد دامنه فعالیت خود را در تمامی مراکز تجمع شیعیان و مناطق شیعه نشین

۱. به نقل از: تاریخ عصر غیبت، دفتر تحقیقات و تدوین کتب درسی مرکز جهانی علوم اسلامی ص ۱۳۷ - ۱۴۲.

گسترده باشد. وقتی به نصوص تاریخی مربوط مراجعه می‌کنیم. گزارش‌هایی که این حدس و گمان را تأیید کند می‌یابیم، زیرا در منابع اولیه تاریخی و کتب رجال شیعه از وکلایی سخنی به میان آمده است که هریک در ناحیه خود به فعالیت مشغول بوده‌اند این نواحی عبارتند از:<sup>۱</sup>

۱. حجاز (مدینه)؛<sup>۲</sup>
۲. عراق (کوفه،<sup>۳</sup> بغداد،<sup>۴</sup> سامرا، واسط<sup>۵</sup>)؛
۳. ایران (خراسان بزرگ،<sup>۶</sup> قم،<sup>۷</sup> ری،<sup>۸</sup> قزوین،<sup>۹</sup> همدان،<sup>۱۰</sup> آذربایجان،<sup>۱۱</sup> قرمیسین،<sup>۱۲</sup> اهواز،<sup>۱۳</sup> سیستان<sup>۱۴</sup> و شبست<sup>۱۵</sup>)؛
۴. مصر.<sup>۱۶</sup>

- 
۱. به منظور پرهیز از طولانی شدن کلام، به نقل از: تاریخ عصر غیبت، تنها نام مناطق و نواحی را می‌آوریم.
  ۲. ر.ک: الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۱۱، نقل از: تاریخ عصر غیبت.
  ۳. ر.ک: تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۷۸ و ۱۳۴ به نقل از: تاریخ عصر غیبت.
  ۴. همان، ص ۱۳۴.
  ۵. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۵۰۴.
  ۶. تنقیح المقال، ج ۲، ش ۴۶۷۰.
  ۷. ر.ک: رجال کشی، ص ۴۸۳.
  ۸. شیخ طول در کتاب الغیبة.
  ۹. ر.ک: ضیافة الاخوان، ص ۶۶.
  ۱۰. ر.ک: رجال کشی، ص ۶۱۱.
  ۱۱. ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۹۱.
  - ۱۲ و ۱۳. ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰۰.
  ۱۴. ر.ک: تنقیح المقال، ج ۲، ش ۶۷۹۲.
  ۱۵. ر.ک: تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۷۸.
  ۱۶. ر.ک: همان، ص ۷۱، به نقل از: تاریخ عصر غیبت.

## کارکردهای نهاد وکالت

### ۱. جلوگیری از تفرقه شیعیان

فعالیت‌های سفیران، با این هدف صورت می‌گرفت که جماعت امامیه را از انشعاب‌های بیشتر با اثبات امامت پسر امام عسکری علیه السلام مصون دارد. برای وصول به این اهداف، اینان آن سخنانی که پیامبر و ائمه علیهم السلام را که دلالت دارد مجموع امامان به دوازده ختم می‌شود و آخرین آنان غیبت خواهد نمود، بیان می‌کردند.

نائبان در این مرحله، به موقعیت چشم‌گیری دست یافتند و توانستند انشعاب‌های به وجود آمده در مکتب تشیع را کمتر کرده و در نهایت به صفر برسانند.

### ۲. پاسخ‌گویی به سؤال‌های فقهی و مشکلات علمی و عقیدتی

نایبان خاص، سؤال‌های فقهی و شرعی شیعیان را خدمت امام علیه السلام می‌رساندند و پاسخ آنها را به مردم ابلاغ می‌کردند. در دوره نیابت نایب دوم، محمد بن عثمان، سؤال‌های فقهی بسیاری مطرح گردید و امام علیه السلام در ضمن توقیعات متعدد و طولانی به آنها جواب داد.

فعالیت‌های نایبان حاضر به مسائل فقهی محدود نمی‌شد، بلکه وظیفه دیگر آنان حل مشکلات علمی و شرکت در بحث‌ها و مناظره‌های عقیدتی بود.

### ۳. اخذ و توزیع اموال متعلق به امام

نواب خاص امام علیه السلام هر کدام در دوران سفارت خود، وجوه و اموال متعلق به حضرت را تحویل می گرفتند و به هر طریق ممکن، به امام می رساندند و در مواردی که امام دستور می داد، مصرف می کردند.

### ۴. سازماندهی وکیلان

سیاست تعیین وکیل برای اداره امور نواحی گوناگون و ایجاد برقراری ارتباط میان شیعیان و امامان، از دوران های ائمه پیشین وجود داشت. در عصر غیبت، این ارتباط با امام زمان علیه السلام قطع گردید و محور ارتباط وکیلان با امام علیه السلام نایبی بود که امام زمان علیه السلام تعیین کرد. مناطق شیعه نشین تقریباً مشخص بود و بنا به ضرورت در هر منطقه ای، وکیلی تعیین می شد و گاهی چند وکیل در مناطق کوچک تر، تحت سرپرستی وکیلی بودند که امام و یا نایب خاص برای آنها تعیین می کردند. این وکلا اموالی را که بابت وجوهات می گرفتند، به شیوه های گوناگونی به بغداد، نزد نواب می فرستادند و آنان نیز طبق دستور امام علیه السلام در مواردی بایسته به کار می گرفتند در مواردی ممکن بود که برخی از وکیلان برای یک بار امام زمان علیه السلام را ملاقات کنند؛ چنان که «محمد بن احمد قطان» (از وکیلان ابو جعفر نایب دوم) به ملاقات

امام علیه السلام نایب آمد.<sup>۱</sup>

اما معمولاً آنان تحت نظر نایب خاص امام انجام وظیفه می‌کردند. به نقل از احمد بن مقیل قمی، ابوجعفر ده وکیل در بغداد داشته که نزدیک‌ترین آنان به وی «حسین بن روح» بود، که بعداً نایب سوم شد.<sup>۲</sup> از روایتی دیگر، معلوم می‌شود که در برابر اموال داده شده به وکیلان، قبوضی از آنان دریافت می‌شد، اما از نایب خاص، چنین قبوضی دریافت نمی‌گردید و زمانی که ابوالقاسم حسین بن روح را به جانشین برگزید، دستور داد که از وی قبوضی نخواهند.<sup>۳</sup>

حضرت در انتخاب نواب خاص، به افرادی توجه داشت که از درجه اخلاص بالاتری بهره‌مند باشند و به هیچ عنوان، اسرار نیابت و محل و مکان امام را نشان ندهند، چنین نبود که این نایبان «فقیه‌ترین و دانشمندترین» افراد زمان خود باشند و البته نیاز هم به این مسئله نبود، چون مهم‌ترین وظیفه آنان، وساطت بین امام و مردم بود و همه مسائل فقهی، شرعی و مشکلات علمی را از امام علیه السلام می‌گرفتند و در اختیار مردم قرار می‌دادند؛ پس آن چیزی که در «وکالت» و نیابت مهم و رکن اساسی محسوب می‌شد، اخلاص، رازداری و بردباری بود.<sup>۴</sup>

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۴۴۲.

۲. الغیبة، ص ۲۲۵، به نقل از: فرهنگ نامه مهدویت، ص ۴۱۷.

۳. همان، ص ۲۲۵ و ۲۲۶؛ حیات فکری و سیاسی امامان، ص ۲۳۶، به نقل از: فرهنگ نامه مهدویت، ص ۴۱۷.

۴. تاریخ غیبت صفری، ص ۳۷۲.

### ۵. رسیدگی به اوقاف

حسن بن محمد صیدلانی، وکیل در رسیدگی به امور وقفی در «واسط» بود.<sup>۱</sup> برخی از وکلا چون «احمد بن اسحاق قمی» وکیل اوقاف قم بود.<sup>۲</sup> املاک و زمین‌های وقف شده در نقاط مختلف، از جمله ایران، عراق و غیره پراکنده بودند.

### ۶. راهنمایی و ارشاد شیعیان و مناظره با مخالفان

یکی از شئون مهم این نهاد، راهنمایی و ارشاد شیعیان به وظایف و اصول صحیح مکتب بوده است، تردیدی نیست که وقتی کسی به عنوان وکیل عامه و مطلق یک امام معصوم علیه السلام به اهالی یک شهر یا یک منطقه معرفی می‌شود از نظر شناخت و آگاهی برتر از سایر افراد است؛ به خصوص در شناخت امام مفترض الطاعة. و این وکلا بودند که غالباً توسط شیعیان مورد سؤال واقع می‌شدند.

### ۷. نقش سیاسی نهاد وکالت

این نهاد به ظاهر برای جمع وجوه شرعی تشکیل شده بوده، ولی نمی‌توان نقش سیاسی آن را انکار نمود. حتی با صرف نظر از هرگونه فعالیت سیاسی مجزا از جمع وجوهات. خود مسئله جمع اموال از

۱. ر.ک: کمال الدین و تمام النعمة، ص ۵۰۴.

۲. ر.ک: تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۷۸.

اطراف و اکناف برای امامان شیعه علیهم السلام از دید حکام بنی عباس به عنوان فعالیتی سیاسی تلقی می‌گردید.<sup>۱</sup> اتهام «منصور» امام صادق و «هارون» به امام کاظم علیه السلام مبنی بر جمع‌آوری اموال برای کمک به مخالفان حکومت بنی عباسی در راستای همین مقوله است. این نوع از حساسیت در مورد امام هادی علیه السلام توسط متوکل عباسی نیز به چشم می‌خورد. او پس از اطلاع یافتن از فعالیت وسیع وکلای امام هادی علیه السلام در صدد قلع و قمع این نهاد و دست‌گیری اعضای آن برآمد و حتی بعضی از یاران آن حضرت را نیز به شهادت رساند یا تحت شکنجه<sup>۲</sup> قرار داد.<sup>۳</sup> اهتمام حاکمیت عباسی در عصر غیبت برای شناخت اعضای نهاد وکالت، یکی دیگر از قرائن وجود نقش سیاسی برای این نهاد است.

## آرمان‌گرایی و حق‌گرایی

این باور که از دیدگاه شیعه تنها حاکمیت ولی عصر علیه السلام و حاکمیت نواب عام آن بزرگوار از مشروعیت برخوردار است و سایر حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی فاقد مشروعیت بوده و غاصب‌اند نوعی

۱. این سخن زمانی بیشتر تأیید می‌شود که به اتهام منصور نسبت به امام صادق علیه السلام توجه کنی که حضرت را متهم نمود و کیش «معلی بن خنیس» را برای جمع کمک برای نهضت «محمد بن عبدالله نفس زکیه» به سوی شیعیان فرستاده است. همین اتهام موجب شد که منصور حضرت را به بغداد فرا بخواند نظیر این اتهام را هارون به امام کاظم علیه السلام نسبت داد (تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۹۹۳).

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۱.

۳. متوکل عباسی به علت همین حساسیت به وکلای امام هادی علیه السلام ایوب بن نوح وکیل ناحیه کوفه را مورد تعقیب قرار داد (تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۸۲).



آرمان‌گرایی، اصول‌گرایی و حق‌باوری در اندیشه سیاسی - اجتماعی شیعه به شمار می‌آید. مانند حالت مردمانی که به دلیل شرایط خاص سیاسی، امام خود را در تبعید احساس می‌کنند و بر این باورند که باید زمینه‌های حضور و ظهور او را فراهم کرد، از وضع موجود ناراضی و به آن معترض اند و در عین تلاش برای آمادگی و اصلاح همه جانبه، در انتظار وضع مطلوب و ایده آل نشسته‌اند. لازمه چنین آرمان‌گرایی در عرصه حیات اجتماعی این است که اگر تحقق یک وضعیت ایده آل و آرمانی حاکمیت یک معصوم علیه السلام و قرار گرفتن او در رأس هرم حکومت، جهت رشد و تعالی مادی و معنوی جامعه میسر نیست به حکم عقل و نقل باید در مسیر تحقق بهترین حالت ممکن که نزدیک به وضع ایده آل باشد بکوشد. یکی از لوازم آرمان‌گرایی و امید به آینده روشن، مجاهدت و تلاش مستمر انسان منتظر و معتقد به مهدویت است. اگر ناامیدی روح مجاهده را از جامعه می‌ستاند، امید به آینده و روحیه آرمان‌گرایی، مانع از تسلیم شدن بوده، عامل ایجاد روح مبارزه و مجاهده است، به تعبیر مقام معظم رهبری: ملت‌هایی که حضور قطب عالم امکان را در میان خود احساس می‌کنند، از حضور او امید و نشاط می‌گیرند. برای مجد و عظمت اسلام مبارزه می‌کنند. تکیه بر همین امید درخشان بود که ملت بزرگ ایران پرچم اسلام را به اهتزاز درآورد و افتخار طول تاریخ بشر و تاریخ اسلام شد.<sup>۱</sup>

باری، انتظار و اندیشه مهدویت در درون خود یک محرک اجتماعی

مثبت و نوعی تفکر انقلابی مستمر، معنادار و جهت‌دار است. انتظار و مهدویت به شیعه می‌آموزد که در زیر پرچمی که هم آهنگ با آرمان‌های انقلاب جهانی مهدی علیه السلام به اهتزاز درآمده جمع شوند و آن را پاس بدارند. پاسداری رزمندگان اسلام از انقلاب اسلامی به پیروی از ولی فقیه زمانه خویش، در هشت سال دفاع مقدس با انگیزه عشق به امام زمان علیه السلام و پیروی از نایبان عالم آن حضرت صورت پذیرفته است. اندیشه مهدویت، منطق خاصی به انقلاب‌ها، تحولات و اصلاحات اجتماعی می‌بخشد، در پرتو این اندیشه، سنت مستمر نزاع میان حق و باطل و مبارزه برای دفاع از حق و آرمان‌های اسلامی و مهدوی، به صورت یک تکلیف مستمر و موج خروشان جریان دارد و آرام نمی‌گیرد. روح انتظار تأکیدی بر نظریه امامت و غیر تاریخی بودن نزاع یاد شده است.

### عوامل سیاسی غیبت

شیعه انقلابی و فداکار و منتظر کسی است که با خود آگاهی و معرفت، به واقعیت باطل موجود اعتراض دارد و آن را نفی می‌کند. گاهی با سلاح مبارزه گاهی با تاکتیک تقیه و زمانی با تعامل و مصلحت زمینه را برای ظهور مهدی موعود علیه السلام فراهم می‌کند تا مصلح واقعی جهان را پر از قسط و عدل نماید.

از این رو، انتظار، فلسفه مثبتی از تاریخ است که با آینده‌نگری شرایط تحول و پویایی و مسئولیت و تعهد و آمادگی روحی و فکری را

فراروی منتظران قرار می‌دهد. ولیکن در نظر منتظر واقعی همان علل و عوامل که سبب غیبت شده است رفع آنها سبب ظهور خواهد شد. بنابراین، جهت‌گیری عمومی شیعه به گونه‌ای است که عوامل سلبی را رفع و علل ایجادی را به وجود آورد.

در روایات و مستندات در مورد انتظار از سه عامل سیاسی غیبت بیشتر از سایر عوامل یاد شده است:

#### ۱. عدم بلوغ سیاسی مردم

در فلسفه غیبت یکی از شرایط ظهور رارشد و بلوغ و آمادگی مردم دانسته‌اند و در روایت آمده است که:

إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ، لَا وَاللَّهِ حَتَّى تُمَيِّزُوا، لَا وَاللَّهِ حَتَّى تُمَحَّصُوا و...؛<sup>۱</sup> این امر [ظهور امام عصر عجل الله فرجه] جز پس از دوران ناامیدی به شما نخواهد رسید، تا این که شما به رشد و بلوغ برسید و از امتحان سربلند برآید و تا مرز شقاوت و سعادت مشخص نشود حضرت ظهور نخواهند کرد.

و خود آن حضرت عجل الله فرجه فرموده‌اند:

اگر شیعیان ما که خداوند آنان را بر طاعت خویش موفق بدارد با قلبی یک پارچه و رشد و آمادگی بر عهد خویش وفادار باشند به یمن لقای ما نائل شده و از فیض حضور ما بهره‌مند خواهند شد.<sup>۲</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۱.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۳.

## ۲. تعلق خواص

کوتاهی خواص دربارهٔ ائمه یکی از دلایل اساسی محرومیت جامعه از فیض آنان بوده است. ۲۵ سال سکوت امیرالمؤمنین علیه السلام ناشی از خیانت خواص و کوتاهی اطرافیان آن حضرت بود و بازگشت حضرت علیه السلام به صحنه سیاسی بعد از آن بود که فرمود:

لَوْ لَا حُضُورَ الْحَاضِرِ وَ قِيَامَ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ...<sup>۱</sup> اگر آمادگی و حضور اجتماع مردم و حاضران در صحنه نبود و حجت بر من تمام نمی شد، افسار شتر خلافت را به گردن آن می انداخت.

در ادبیات سیاسی، نقش خواص با اصطلاح «حضور در صحنه» و «عمل» انقلابی یاد شده است و کوتاهی آنها با عبارت «تعلل» و فرو رفتن در آمال و آرزوها و خواهش های نفسانی، بیان گردیده است. امام رضا علیه السلام در پاسخ به این که چرا آن چه دربارهٔ دشمنانتان گفته شده نوعاً به وقوع پیوسته است اما آن چه نسبت به شما خاندان بیان گردیده واقع نشده است، حضرت می فرمایند:

إِنَّ الَّذِي خَرَجَ فِي أَعْدَائِنَا كَانَ مِنَ الْحَقِّ فَكَانَ كَمَا قِيلَ وَ أَنْتُمْ عَلَّلْتُمْ بِالْأَمَانِيِّ فَخَرَجَ إِلَيْكُمْ كَمَا خَرَجَ؛<sup>۲</sup> آن چه دربارهٔ دشمنان ما واقع شده همان هایی بود که به درستی بیان شده است و به همان گونه نیز اتفاق افتاد و شما سرگرم آرزوها و خواسته های ناروای خود شدید پس شد آن چه که شد.

## ۳. حاکمیت جور

فشار سیاسی دستگاه ظالمانه بنی العباس بر امام حسن عسکری علیه السلام را همه مورخان نقل کرده‌اند و لقب «عسکر» به جهت آن بود که حضرت تحت الحفظ در پادگان نظامی آنها زندگی می‌کرد و مهدی موعود در سن پنج سالگی از پادگان به پشت پرده غیبت رفته است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پیش‌گویی‌های خود از آن حضرت با تعبیر «غلام» یعنی جوان یاد کرده است و می‌فرماید:

لا بد للغلام من غيبة. فقیل له: و لِمَ یا رسول الله؟ قال: یخافُ

القتل؛<sup>۱</sup> برای آن جوان چاره‌ای جز غیبت نیست. گفته شد چرا ای رسول

خدا؟ فرمودند که از قتل می‌ترسد.

وجود حکومت جور از یک طرف، کوتاهی‌خواهی و ناآگاهی عوام از طرف دیگر سبب شده بود که همه امامان شیعه مجبور به سکوت در مقابل حاکمان ستم‌گر شده بودند و گویا یکی از ویژگی‌های امام زمان علیه السلام آن است که با هیچ طاغوتی عهد و بیعت نکرده است. ایشان در یکی از توقیعاتش فرموده‌اند:

إنه لم یکن أحد من آبائنا إلا وقعت في عنقه بيعة لطاغية...؛<sup>۲</sup> هیچ

کس از پدران من نبوده، مگر این که از سوی حاکمان ستم‌کار زمانش بر

عهده او بیعتی بوده است. اما من در زمانی که از پشت پرده غیبت ظاهر

۱. همان.

۲. بحار الانوار، ج ۱۵۲، ص ۱۷۷.

می شوم از هیچ طاغوتی بیعت برگردنم نیست.  
از آنچه گفته شد نتیجه گرفته می شود که غیبت حاصل جمع جبری  
عوامل سیاسی و سلبی است که باز گفتیم.

## اهمیت عالمان دینی و تعمیق و توسعهٔ اجتهاد

انتظار، اجتهاد را قاعده‌مند و پویا ساخت و فقیهان را مدد کرد تا در روزگار غیبت امام علیه السلام احکام دینی را به مردم برسانند. این کارکرد مهمی است که در مکتب انتظار رقم خورد و با خود، دست‌آوردهای فراوانی را به همراه آورد. در این قسمت از چگونگی این حرکت حیات‌آفرین، بحث می‌کنیم.

پیش از ورود به بحث لازم است قلمرو موضوع مشخص شود. منظور از علما در این عنوان، عالمان دینی یعنی فقها هستند و منظور از پاسداری، اعم از احیا، حفظ، نشر و گسترش معارف دینی و ستیز در برابر تجاوزگران به حریم دین است. مراد از دین نیز مجموعهٔ معارف و اعتقادات، اخلاقیات و امور تربیتی و احکام و مسائل علمی است که از آن به قوانین و مقررات موضوعه یا به اصطلاح فقها «فقه» تعبیر می‌شود.

بستر بحث از نظر زمانی، عصر انتظار یعنی از زمان غیبت صغری (۲۶۰ هـ.) است، چون عصر قبل از غیبت، عصر حضور ائمه علیهم السلام است و در عصر حضور گرچه فقها و عالمان دینی بودند، اما به علت حضور

امامان علیهم السلام تحت الشعاع قرار داشتند؛ بدین معنا که مرجعیت آنان در صورت دست‌رسی نداشتن مردم به ائمه علیهم السلام بوده است و مردم در حد امکان سعی می‌کردند به منبع و مرجع اصلی مراجعه کنند. خود فقها نیز مشکلات و مسائل خود را تا حد مقدور با آن بزرگواران در میان می‌گذاشتند.

### جایگاه عالمان دینی

عالمان دینی به لحاظ دانشی که می‌اندوزند و نیز به سبب رابطه ولایی با شیعیان یا پیشوایان معصوم و رسالت و مسئولیت خطیر پاسداری، آگاهی بخشی و تربیتی که دارند در شریعت از رتبه و جایگاه بلندی برخوردارند که از دو منظر بدان اشاره می‌شود:

#### الف) منظر آیات

قرآن می‌فرماید:

﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّاماً آمِنِينَ﴾؛<sup>۱</sup> (در میان آنان و میان آبادی‌هایی که در آنها برکت نهاده بودیم، آبادی‌های متصل به هم قرار داده بودیم و در میان آنها مسافت را به اندازه، مقرر داشته بودیم [و به آنها گفتیم:] در این راه‌ها شب‌ها و روزها آسوده خاطر بگردید.

۱. سبأ، آیه ۱۸.



در چندین روایت، امامان علیهم السلام «قرای ظاهره» را دانشمندان و عالمان دینی دانسته‌اند که میان مردم و «قرای مبارکه» یعنی معصومین علیهم السلام قرار دارند و مردم را با ارشادها و راهنمایی‌های خود به «قرای مبارکه» می‌رسانند و مردم از حرکت در این مسیر در هر شرایطی احساس امنیت می‌کنند.

قرآن می‌فرماید:

﴿فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾<sup>۱</sup> چرا از هر گروهی از آنان (مؤمنان) طایفه‌ای کوچ نمی‌کند تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابد و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود آنها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند و خودداری کنند. منظور از تفقه در دین، فراگیری همه معارف و احکام اسلام، اعم از اصول و فروع است. بنابراین آیه یاد شده دلیل روشنی است بر این که همواره گروهی از مسلمانان به عنوان انجام یک واجب کفایی باید به تحصیل علم و دانش در زمینه تمام مسائل اسلامی پردازند و پس از فراغت از تحصیل به ارشاد و هدایت مردم همت گمارند.

ب- منظر روایات

اما اندیشه‌گری و تفقه از دیدگاه روایات چگونه است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

۱. توبه، آیه ۱۲۲.

تَفَقَّهُ فِي الدِّينِ فَإِنَّ الْفُقَهَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ؛<sup>۱</sup> در دین تفقه کن، زیرا

فقیهان، وارثان پیامبرانند.

در این روایت، امام علی علیه السلام ضمن دستور به تفقه در دین، فقها را وارثان انبیا معرفی کرده است.

از امام زمان علیه السلام نیز دستور اکید است که:

أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقْعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي

عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛<sup>۲</sup> در حوادث و رخدادهایی که پیش می آید

به راویان احادیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شما هستند و من

حجت خدا بر آنان می باشم.

در این توفیق شریف، حضرت حجت علیه السلام تکلیف شیعیان را در عصر غیبت مشخص کرده و آنان را در رخدادهای اجتماعی به راویان احادیث که همان فقها هستند ارجاع داده است. و در فلسفه دستور خود تأکید کرده که فقها حجت آن حضرت در میان مردم می باشند.

## رسالت‌ها و ویژگی‌ها

عالمان دینی در سیمت جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام از آغاز غیبت صغری تا کنون با تحمل رنج‌ها و سختی‌های «تفقه در دین» و نیل به مقام اجتهاد و نیز برقراری رابطه معنوی و پیوند ولایی با امام زمان خویش و تخلّق به اخلاق رسول الله و الگوگیری از خط مشی

۱. ابن ابی جمهور، عوالی اللثالی، ج ۴، ص ۶۰، به نقل از: نهضت انتظار و انقلاب اسلامی.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱.

عملی و زندگی زاهدانه و مجاهدانه امیر مؤمنان علیه السلام توانسته‌اند پاسداران امین و مخلصی برای اسلام عزیز، تکیه گاه مورد اعتمادی برای پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام و پیش گامان جهاد و مبارزه با ستم‌گران، طاغوت‌ها و تجاوزگران به حریم اسلام و مرزهای مسلمانان در عرصه‌های فکری و فرهنگی، بلکه نظامی باشند.

### مرزبانی از عقیده اسلامی

بخشی از رسالت‌ها و ویژگی‌های عالمان دینی در مرزبانی از عقیده اسلامی است؛ توضیح آن که: دشمنان عقیده و اندیشه اسلامی همواره - به صورت فردی و گروهی - می‌کوشیدند افکار و اذهان مردم را از اعتقادات و معارف حقه دین، نهی کنند. این تلاش در دوران غیبت، ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد. فقهای اسلام، شاخص‌ترین قشری بودند که در سنگر هدایت و ارشاد و تعلیم و تربیت به مرزبانی عقیده اسلامی همت گمارند و در هر عصری با استفاده از جایگاه و عظمت و خطابه، نوشتن کتاب‌های ارزنده، تشکیل حوزه‌های بزرگ علمی و درسی و بحث و مناظره با سران مخالفان و مکاتب الحادی جوامع اسلامی و تشنگان حقیقت را از چشمه سارهای قرآن و سنت معصومین علیهم السلام سیراب نموده، شیاطین انس و رهزنان ایمان و عقیده مسلمانان را از دست‌یابی به اهداف شوم خود مأیوس می‌کردند. امام عسکری علیه السلام در این باره از قول امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

علمای شیعیان ما مرزبانان مرزی هستند که شیطان و لشکریانش از آنجا

قصد هجوم دارند. آنان شیاطین را از یورش به حریم شیعیان ما باز

می‌دارند و نمی‌گذارند او و پیروان معاندش بر پیروان ما مسلط شوند.<sup>۱</sup>

و نیز در روایتی دیگر از زبان پدرش امام هادی علیه السلام فرمود:

اگر بعد از غیبت قائم ما عالمانی نباشند که از دین حمایت کنند و مردم را

به سوی قائم ما فراخوانند و شیعیان ناتوان را از وقوع در دام‌های شیطان و

پیروان سرکش او برهانند. کسی باقی نمی‌ماند مگر آن که از دین خدا بر

می‌گردد. لیکن عالمان دینی زمام دل‌های شیعیان ضعیف را در دست

می‌گیرند و همچون سکان‌داران کشتی، آنان را از خطرات و تهدیدها

نجات می‌دهند. آنان بهترین انسان‌ها در پیش‌گاه خداوند هستند.<sup>۲</sup>

نتیجه این که مسئله انتظار، زمینه تربیت علمای دینی را در

بخش‌های مختلف فراهم کرد و تلاش مستمر و سازمان یافته علما را

در ایفای نقش‌ها و مسئولیت‌هایی که در فقدان معصوم متوجه ایشان

بوده، به وجود آورد. از همین رو، علما نقش مشخص‌تر و جدی‌تری را

در جامعه عهده‌دار شدند و سازمان روحانیت، نهاد وکالت و حوزه‌های

علمیه در این راستا شکل گرفتند و نقش‌ها سریع‌تر و تعریف شده‌تر

مطرح شد. از آن طرف مردم هم در زمان غیبت احساس و اعتقادشان

این است که تنها مرجعی که می‌تواند دین را از آنان اخذ نماید علمای

دینی هستند علما هم نگاهشان به این بوده که بتواند در غیاب معصوم

پاسخ‌گوی نیازها باشند.

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۵.

۲. همان، ج ۶، ص ۵.

## رسالت حوزه‌های علوم دینی

حوزه‌های علوم دینی شیعه، تبلور عینی و تابلوی جاودانه فلسفه انتظارند. دل سوخته‌ترین عاشقان امام مهدی علیه السلام، در این مهد، بالیدند و استوارترین و مایه‌ورترین میراث فرهنگی مهدویت را همین حوزه‌های مبارک آفریدند. دست پروردگانِ حوزه‌های شیعه، هر کدام در دیار و اقلیم خویش، پرچم انتظار بودند، بر بام تاریخ آن قوم و دیار و مشعل‌هایی فروزان فرا راه کاروان بشر به کعبه وصال و در تاریکستان فتنه‌ها، هواها، هوس‌ها، خدعه‌ها و ده‌ها بیراهه‌های راه‌گونه و سراب‌های آب‌نما و چراغی روشن بر مناره آرمان شهر اسلام.

اینان، در سیاه‌ترین دوره‌ها، با مدد جستن از «انتظار فرج»، امید به فرج را در دل‌های پاک دینان و زلال فطرتان زنده داشتند و جنبش‌های عدالت‌خواهی و ستم‌ستیزی را، در جای‌جای دارالاسلام به پا ساختند. امیدی که چونان دویال برای تکاپو در زندگی گذر از باتلاق‌ها و بیغوله‌های جهل، دودلی و گمراهی است. مگر نه این است که ولی عصر علیه السلام نجات بخش بشر از کفر و ستم، در عصر سیاست‌هاست. مگر او، منادی عدالت، برپا دارنده حدود دینی، احیاگر معارف قرآنی و برپا کننده حکومت عدل الهی نیست، مگر غیر از این است که او کرامت‌های اخلاقی را در زندگی و جامعه بشری پیاده می‌کند و آرمان‌های انبیا و اولیای الهی را عملی می‌سازد و عینیت می‌بخشد؟ و آیا حوزه‌های علوم دینی و عالمان فرهیخته و ربّانی، در طول تاریخ،

رسالتی جز این می جستند و تلاشی غیر از این داشتند؟

مگر نه این که فلسفه وجودی حوزه‌ها، تبیین مکتب، پاسداری از اسلام ناب، دفاع از مظلوم، انگینختگی روح عدالت‌خواهی، عدالت‌گستری، نشر علمی و عملی فضائل اخلاقی و الهی و فرآورده‌های دینی و قرآنی، پاس‌داشت حدود و ثغور شریعت، زنده نگه داشتن امید به عدالت و ایجاد گشایش، برای پاک‌سازی ذهنی از همه کج‌اندیشان و ستم‌هاست؟

مگر عالمان ربانی، نابودی طاغوت‌ها و ستم شاهان و استقرار معارف و ارزش‌های ناب محمد صلی الله علیه و آله را در همه زوایایش وعده ندادند و خود در عمل، گواه این مدعی نشدند و در آماده‌سازی مقدمات فرج و رسیدن به حکومت عدل جهانی، جام شهادت را ننوشیدند؟

آری آنان چنین بودند و شاهدانی شدند گویا بر بام تاریخ بشر. گزاف نیست اگر بگوییم کارنامه حوزه‌ها، جز انتظار فرج نیست. اندک تأملی در تاریخ حوزه‌های شیعه، درستی این گفته‌ها را می‌نماید. بر طبق آنچه که اشاره شد سه رسالت اساسی و مقدس حوزه در عصر انتظار عبارت است از:

- ۱- اهتمام و اقتدا: اسوه‌گیری از آرمان‌های مهدوی و سامان دادن زندگی و تلاش حوزوی و سیرت و رفتار عالم دینی و طالبان علم، بر اساس سیره حضرت مهدی علیه السلام و پرتو گرفتن از آن انسان کامل.
- ۲- وراثت: پاسداری مکتب مهدی، حراست از معارف ناب اسلامی و خرافه زدایی از زلال سیمای مکتب وحی.

۳- نیابت: برفراز داشتن پرچم هدایت، نگاهداشت روح عدالت خواهی و ستم ستیزی، سرپرست امت اسلامی در غیبت بزرگ و طولانی حضرت مهدی علیه السلام.  
اینک نظری کوتاه به نقش و اهمیت هر یک از موارد فوق می افکنیم:

### اهتمام و اقتدا

امام زمان علیه السلام و انتظار برای حوزویان، نه یک عقیده که زندگی و حیات است؛ حیاتی که تغذیه فکری و مادی آنها، به عنایت او وابسته است هم سرباز اویند، هم برخوان نعمت او، از او چراغ راه می گیرند و رسم هدایت می جویند. مردم نیز به آنها چنین می نگرند.

با این برداشت، متولیان و سازمان دهندگان حوزه، که خود نیز به یُمن وجود و عنایت و لطف او، عزت و سروری یافته اند، بایسته است که خطوط نورانی قامت معنوی آن امام همام را تراز و شاخص سازماندهی تشکیلات، بازسازی و بالنده سازی حوزه ها کنند و همت خویش را در پی ریزی حوزه های که خشنودی مولا است به کار گیرند. رسالت جهانی مهدی را با همه بار معانی اش، دلیل کار حوزه ها کنند. آنان باید حوزه های بسازند که شاگردانش اوصاف امام عصر علیه السلام را قبله خویش قرار دهند و عشق به او را مسیر خود. اگر مهدی، امام عصر، امام زمان و صاحب عصر و زمان است، آنان نیز، زمان شناس بار آیند و طلایه داران عصر خویش تا بتواند مدیر و هادی قبیله شوند و زمان و روزگار و جامعه و زندگی مردم را بر راستای ویژگی ها و هدف های امام زمان سامان دهند.

## وراثت

عالمان ربانی و حوزه‌های علوم دین در روزگاری که امام زمان علیه السلام از ما چهره پوشانده است، وارث او در نگاهبانی میراث معرفتی دین و ایمان مردمند. بیان احکام، روشن کردن مرزهای اعتقادی، بیرون آوردن معارف، اخلاق، آداب و موازین تربیتی از متون دینی و تأمین دانش‌های دینی مورد نیاز جامعه اسلامی، بر عهده آنان است. آنان در روزگار غیبت، باید محاسن و نیکویی‌های معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام را به نسل‌ها بنمایانند و برتری منطق و توانایی اسلام را در برآوردن بهروزی و سعادت بشر، بازبان همان روزگار و بابه‌ری از بهترین ابزار پیام‌رسانی به جهان، برسانند: «الْعُلَمَاءُ مَصَابِيحُ الْأَرْضِ وَ خُلَفَاءُ الْأَنْبِيَاءِ وَ وَرَثَتِي وَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ»<sup>۱</sup>.

این وراثت، همان زنده نگه داشتن اسلام بر فراز اعصار است: «... در روزگار طولانی غیبت حضرت، شیطان‌های پنهان و آشکار، تهاجم خود را آغاز می‌کنند تا پایه‌های اعتقادی مسلمانان را سست و ایمان آنان را بربایند، تنها پناه‌گاه مسلمانان، حوزه‌های علمی و اعتقادی است که باید در خور هر مورد، به دفع و رفع این زیان‌ها و خطرهای پردازند و بابه‌وری از منطق نیرومند وحی، به حفاظت از اسلام پردازند.

۱. محمد ری شهری، میزان الحکمه، ج ۶، ص ۴۶۶.



معصوم می فرماید:

لَوْلَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِنَا ﷺ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ، وَالدَّالِّينَ عَلَيْهِ، وَالدَّابِّينَ عَنِ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ، وَالْمُنْقِذِينَ لَضَعْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شُبَّانِكِ إِبْلِيسَ وَ مَرَدَّتِهِ، وَ مَنْ فَخَاخِ النَّوَاصِبِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا إِرْتَدَّ عَنِ دِينِ اللَّهِ وَ لَكِنَّهُمْ الَّذِينَ يُمَسِّكُونَ أَرْزَمَةَ قُلُوبِ ضَعْفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُمَسِّكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سُكَّانَهَا؛<sup>۱</sup> اگر در روزگار غیبت قائم، عالمانی نبودند که ظهور و فرج او را فریاد کنند و مردم را به سوی او ره نمایند و از دین او، با استدلال‌های محکم، به دفاع برخیزند و کسانی را که ایمان سستی دارند، از ابلیس و پیروانش و از شکار ناصبیان (یورش‌گران برای ارکان دینی) رهایی بخشند، هیچ کس باقی نمی‌ماند، مگر این که راه ارتداد پیش می‌گرفت، ولی آنان، زمام شیعیان را در دست می‌گیرند، چونان که ناخدای کشتی عقبه کشتی را....

گل‌های سرسبد حوزه‌ها، عالمان ربّانی، به حق در درازنای تاریخ تشیع، وارثانی امین و هوش‌مند بودند و از میراث به جای مانده پیامبر و امامان شیعه، نیک پاسداری کردند، در هر دوره‌ای غبار خرافه را از سیمای زلال دین زدودند و با خرافه و خرافه‌با فان و خرافه‌سازان، به ستیز و رویارویی برخاستند، شبهه‌ها را پاسخی در خور دادند و دماغ شبهه افکنان در دین و ایمان مردم را با برهان‌ها و استدلال‌های متین به خاک مالیدند و ایتام آل محمد ﷺ را که میراث معنوی و مذهبی شان مورد تاخت و تاز قرار گرفته بود، با رنج‌های استخوان سوز،

طاقة فرسا و مقاومت و درایتی شگفت‌انگیز، پاس داشتند و توصیه امامان در توصیف وارث حقیقی اهل بیت را تبلور عینی و عملی بخشیدند. سرگذشت جهاد علمی عالمان ربّانی، در طول تاریخ حوزه‌های علوم شیعه، پر از حماسه ایثار، نستوهی و سرباختگی است. آنان، هم اسلام ناب را پاس داشتند و هم در رویایی با زر و زور و تزویر حاکمان تاریخ، پرچم سرخ تشیع را بر فراز این خاکستان، برافراشته داشتند. نگاهی به سیره و میراث عظیم فرهنگی و علمی عالمان شیعه، گواه این مدعاست. نوشته‌هایی که هر کدام در پس خود فلسفه‌ها، رازها، رنج‌ها و حماسه‌ها دارند و فصلی پر دامنه از رویارویی علمی و فرهنگی حوزویان و دگراندیشان را فراروی ما می‌کشایند.

تنها در میراث داری از غیبت مهدی علیه السلام و فرهنگ انتظار، صدها عنوان کتاب به دست ما رسیده است که مطالعه و کاوش در چند و چون و خواستگاه پدید آمدن این کتاب‌ها، تابلویی زیبا از چگونگی مرزبانی و وظیفه داری آنان است. تلاش آنان در پاس داشت این اندیشه و فرهنگ سرنوشت‌ساز و دشمن برانداز، بر تارک تاریخ تشیع، خودنمایی می‌کند و چشم و دل هر خواننده و تاریخ پژوه را می‌نوازد. تابلویی که بیش از هزار سال، حماسه، تلاش فکری و فرهنگی میراث‌داری و تکلیف‌شناسی حوزویان را در عرصه معارف «مهدویت» به نمایش می‌گذارد. از ابن بابویه، کلینی، شیخ مفید، علامه حلی تا میرحامد هندی، علامه امینی و همفکران و شاگردان او. در این تابلوی زیبا، شگفتی‌هایی از جلوداری علمی و فکری،

گسترده آگاهی و آزاد اندیشی، مرزبانی تا پای شهادت، مبارزه با خرافه و کج فکری و تنگ اندیشی و... چشم را می‌نوازد و برای امروز حوزه‌ها می‌تواند راهنما و درس آموز باشد.

### نیابت

دشوارترین وظیفه و تکلیف حوزه‌ها در عصر غیبت، نیابت عامه است. بی‌شک نیابت از امامی که منادی عدالت است به غور و کاوش در اصول و فقه نیست، به کرسی تدریس و انبوه شاگردان و نیز فقط به رساله و مناسک و گرفتن و تقسیم وجوهات و... نیست.

نیابت، پذیرفتن همه تکالیف اسلامی اعم از علمی، سیاسی، اجتماعی، تربیتی و رهبری است. نیابت از مقوله اقدام و عمل است، نه موعظه و حرف. نیابت، میدان‌داری و حماسه‌گستری در برابر دشمن است، نه انزوا گزینی و پس‌پرده نشینی. نیابت، شناخت زمان و مکان، سیاست‌های جهانی و اشراف بر حرکت تاریخ و جامعه‌هاست.

نیابت، در حقیقت، زعامت و رهبری عامه است، رهبری سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی تشیع. پاسداری از شیعه در دریای متلاطم روزگار خود و نگاهبان همه مرزهای اسلام در برابر هجوم امواج فکرها و فرهنگ‌های گمراه‌کننده.

## شکوفایی علوم دینی

کارکردِ دیگر انتظار، زمینه‌سازی برای شکوفایی علوم دینی است. عالمان دینی در شرایط غیبت به دلیل عدم دست‌رسی مستقیم و آسان به معصوم بیشتر خودیابی کردند و تلاش بیشتری برای تفسیر و کشف حقایق دین از خود، نشان دادند.

البته بی‌شک ما نمی‌توانیم فضایی بسازیم که جای‌گزین حضور معصوم باشد، ولی به هر حال در شرایط غیبت بهتر می‌توانیم به این نیاز پاسخ بدهیم، علما در شرایط دشوار غیبت بود که تمام جُهد و تلاش خود را به کار بردند تا بتوانند در فراق معصوم بخشی از نیازها را پاسخ دهند، ما امروز اگر گنجینه‌هایی از علوم و معارف دینی در اختیار داریم به دلیل همین سرمایه‌گذاری عظیم بود.

### حفظ و گسترش علوم اسلامی

آن چه از علوم اسلامی - اعم از فقه، تفسیر، کلام، فلسفه، اخلاق و... - هم‌اکنون در اختیار ماست حاصل تلاش‌ها و مجاهدت‌های

اندیشوران دینی در حوزه معرفت دین است.

عالمان دینی در دو محور مهم ایفای نقش کردند: نخست، مسائل علم اسلامی را از سرچشمه‌های اصیل آن - قرآن و سنت - بدون دخل و تصرف، استخراج و تنظیم و سازمان دهی موضوعی کردند و دیگر، در حفظ و نگاه بانی از اصول و فروع آن از دست برد تحریف‌گران و تفسیر به رأی کنندگان - که همواره می‌کوشیدند دیدگاه‌های فردی یا حزبی خود را به‌عنوان نظریات دینی در جامعه اسلامی عرضه کنند - نهایت سعی خود را به کار گرفتند. امام خمینی در این باره می‌فرماید:

اگر فقهای عزیز نبودند معلوم نبود امروز چه علوم به‌عنوان علوم قرآن و اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام به خورد توده‌ها داده بودند. جمع‌آوری و نگهداری علوم قرآن و آثار و احادیث پیامبر بزرگوار و سنت و سیره معصومین علیهم‌السلام و ثبت و تبویب و تنقیح آنها در شرایطی که امکانات، بسیار کم بوده است و سلاطین و ستمگران در محو آثار رسالت، همه امکانات خود را به کار می‌گرفتند، کار آسانی نبوده است که بحمدالله امروز نتیجه آن زحمات را در آثار و کتب برکتی همچون کتب اربعه<sup>۱</sup> و کتاب‌های دیگر متقدمین و متأخرین از فقه و فلسفه، ریاضیات و نجوم و اصول و کلام و حدیث و رجال و تفسیر و ادب و عرفان و لغت و تمامی رشته‌های متنوع علوم مشاهده می‌کنیم.<sup>۲</sup>

۱. کافی، استبصار، من لا یحضره الفقیه، و تهذیب.

۲. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۸۸

## پرچمداری در شهادت

دشمنان اسلام بارها برای محو و نابودی این آیین آسمانی دست به انواع توطئه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی زده‌اند، اما هر بار نخستین قشری که در برابر آن‌ها قد برافراشته و از اسلام حمایت کرده‌اند فقها و عالمان دینی بوده‌اند. رهبری نهضت‌های حق طلبانه شیعی در طول تاریخ اسلام، از قیام علیه سامانیان گرفته<sup>۱</sup> تا نهضت تنباکو و قیام پانزده خرداد، با فقهای بزرگ بوده است.

کمتر رخداد مهمی در تاریخ شیعه می‌توان یافت که بدون حادثه خونین تمام شده باشد و در این راه به جز افراد با ایمان و سربازان با حمیت، علمای بزرگی جان خویش را تقدیم کرده‌اند. عالمان شیعه در اثر تعلیمات پیشوایان دینی، با حضور در عرصه‌های جهاد و ستیز با ستم‌گران و طاغوت‌های زمان خویش، منشور «شهدای فضیلت» را رغم زدند و لازم بود این منشور، جمع‌آوری و مکتوب گردد تا آن که علامه امینی بخشی از آن را در کتابی تحت عنوان شهداء الفضیله گرد آورد و در آن، شرح حال ۱۳۰ تن از برجسته‌ترین عالمان شهید شیعه را نوشت. کتاب شهداء الفضیله بر این پندار پوچ که علمای شیعه تا دیروز خواب بوده‌اند و بی‌خبر از مصالح توده‌ها با سلاطین و جائران زمان خویش سازش کرده‌اند، مهر ابطال زد و نموداری از آن همه

۱. اشاره به قیام محمد اطروش از فقهای بزرگ اسلام در قرن چهارم است (ر.ک: شهیدان راه فضیلت، ص ۲۴).

تلاش‌ها، درگیری‌ها، مبارزه‌ها و شهادت را ترسیم کرد. البته کتاب‌های فراوان دیگری دربارهٔ مجاهدت‌های عالمان دینی و نهضت‌های شیعی هم چون سید جمال‌الدین اسدآبادی، نهضت تنباکو، جنبش مشروطیت، انقلاب عراق و بیرون راندن انگلیسی‌ها از آن کشور، مبارزات علمای ایران با رضا خان، ملی شدن صنعت نفت، مبارزات شیخ محمد خیابانی و بالأخره انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی و یاران روحانی شهید آن گرامی، نوشته شده که تا اندازه‌ای کوشش‌های علمای شیعه در راه آزادی ملت‌ها و تحقق آرمان الهی را روشن کرده است.

مجتهدان بزرگی چون سید محمد مجاهد، فرزند صاحب ریاض و ملا احمد نراقی در جبهه جنگ علیه دولت اشغالگر روس، آیه‌الله محمد تقی شیرازی، معروف به میرزای دوم، آیه‌الله کاشانی، سید محمد سعید حبوبی و آیه‌الله حکیم در جبهه نبرد علیه انگلیس تجاوزکار، شرکت جسته‌اند، هم‌چنین افرادی مانند آیه‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیه‌الله میرزای نائینی و مرحوم شهرستانی از عراق به ایران تبعید شد. و شخصیت‌هایی مانند آیه‌الله سید محمد نقی خوانساری به اسارت و زندان رفته‌اند.<sup>۱</sup>

### رفع ابهام

در این جا ممکن است این سؤال برای برخی سطحی‌نگران مطرح

۱. سیمای فرزندگان، ج ۲، ص ۴۷۲.

شود، که عالمان دین با این مجاهدت‌ها و موانع ظلم ستیزی که داشتند و در رفتار و عمل نیز نشان دادند، چگونه برخی از آنان - آن‌گونه که در شرح حالشان آمده و در عمل نیز نشان دادند - با سلاطین جور، مرتبط بوده و به دربار آنان آمد و شد داشتند؟

توضیح آن که: در شرح حال گروهی از رجال برجسته دینی همانند سید مرتضی، سید رضی، خواجه نصیر طوسی، علامه حلی، علامه مجلسی، شیخ بهایی و... آمده است که اینان با سلاطین زمان مرتبط بوده‌اند. قبل از اینان می‌توان از برخی شخصیت‌های برجسته از یاران امامان علیهم‌السلام مانند علی بن یقطین، عبدالله نجاشی، ابوالقاسم بن روح، محمد بن اسماعیل بن بزیع و نوح بن دراج نام برد که با خلفای جور آمد و شد داشته‌اند.

در پاسخ باید بگوییم: بدون شک، این بزرگواران، برای اقدام خود، حجت شرعی داشتند و هدف آنان از این کار، حفظ و پاسداری از دین و خدمت به تشیع و شیعیان بوده است، اینان که پایه گذاران علوم الهی هستند و این همه میراث‌های گران بهای علمی را در اختیار ما گذارده‌اند و اگر اینان نبودند ما هیچ سرمایه علمی نداشتیم. چگونه ممکن است شخصیتی چون علامه مجلسی که آن همه روایات درباره تحریم کمک به ستم‌گران را گرد آورده است، خود، درباری باشد؟ پاسخ این ابهام را امام خمینی چنین می‌گوید:

اما خوب، این تاریخ صد ساله، صد و چند ساله اخیر، در دست است. ما یک خرده جلوترش می‌رویم، می‌بینیم که یک طایفه از علما، اینها



گذشت کرده‌اند از یک مقاماتی و متصل شده‌اند به یک سلاطینی، با این که می‌دیدند که مردم، مخالفند، لیکن برای ترویج دیانت و ترویج تشیع اسلامی و ترویج اسلامی و ترویج حق، اینها متصل شده‌اند به یک سلاطینی و این سلاطین را وادار کرده‌اند، خواهی نخواهی برای ترویج مذهب، مذهب تشیع. این‌ها آخوند درباری نبودند. این اشتباهی است که بعضی نویسندگان ما می‌کنند. این‌ها اغراض سیاسی داشتند، اغراض دینی داشتند. نباید یک کسی تا به گوشش خورد که مثلاً مجلسی، محقق ثانی، نمی‌دانم شیخ بهایی رحمته‌الله با اینها روابط داشتند و می‌رفتند سراغ اینها، همراهی شان می‌کردند، خیال می‌کردند که اینها مانده بودند برای جاه و عزت، احتیاج داشتند به این که سلطان حسین و شاه عباس به آنها عنایتی بکنند، این حرف‌ها نبوده در کار. آنها گذشت کردند، مجاهده نفسانی کردند، برای این که این مذهب را به وسیله آنها، به دست آنها ترویج کنند.<sup>۱</sup>

### اهتمام فقها به تبیین نظام آرمانی سیاسی شیعه

در سده‌های اولیه عصر غیبت، فقها عمدتاً در بیان نظام سیاسی اسلام از دیدگاه شیعه تقیه کرده و به غیر از بعضی کتاب‌ها که به صورت غیر نظام‌مند بدان پرداخته‌اند، در این خصوص بحث منسجمی ارائه نکرده‌اند. این مسئله می‌تواند معلول علل متعددی باشد، مانند اقلیت و تحت فشار بودن شیعیان، غیر رسمی بودن مذهب شیعه در جامعه،

۱. ر.ک: منية المرید، به نقل از: کتاب نهضت انتظار و انقلاب اسلامی.

نامیدی فقها از تشکیل حکومت، غالب شدن نظریه تعطیل حکومت در برخی اعصار، از قرن دهم با رسمیت یافتن مذهب شیعه در ایران - که خود معلول تغییر بافت فرهنگی مردم و تبدیل شدن شیعه به اکثریت بود - فقها از قدرت و اقتدار نسبی در دستگاه حکومت برخوردار شدند و تقیه را که زمانی سرلوحه کارشان بود از جلو چشم برداشتند و شروع به تدوین متونی در باب جامعه آرمانی شیعه در عصر غیبت کردند.

از جمله اولین کسانی که آغازین گام را از جهت نظری و عملی برای تحقق این جامعه آرمانی برداشت محقق کرکی است. چنانچه صاحب جواهر در باب ولایت فقیه از قول ایشان می‌فرماید:

اصحاب ما اتفاق دارند که فقیه عادل، امین و جامع شرایط فتوا که از وی در احکام شرعی به مجتهد تعبیر می‌شود در تمام مواردی که نیابت پذیر باشد از جانب ائمه هدی در عصر غیبت نیابت دارد.<sup>۱</sup>

گرچه اهتمام به تبیین نظام آرمانی سیاسی شیعه در قرن یازدهم تا سیزدهم هجری با غلبه اخباری‌گری کاسته شد، اما با افول این گروه، شاگردان و حید بهبهانی، از جمله ملا احمد نراقی در عوائد الایام و محمد بن حسن نجفی در جواهر الکلام، به تدوین نظریه ولایت فقیه به عنوان حکومت آرمانی شیعه در عصر غیبت پرداختند. البته نکته قابل تأمل این است که این فقها گام‌های اساسی را در این باب برداشتند،

۱. «اتَّفَقَ أَصْحَابُنَا عَلَى أَنَّ الْفَقِيهَ الْعَادِلَ الْأَمِينَ الْجَامِعَ لَشُرَائِطِ الْفَتْوَى الْمُعْتَبَرِ عَنْهُ بِالْمُجْتَهِدِ فِي الْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ نَائِبٌ مِنْ قِبَلِ أُمَّةِ الْهُدَى ﷺ فِي حَالِ الْغَيْبَةِ فِي جَمِيعِ مَا لِلنِّيَابَةِ فِيهِ مَدْخُلٌ». (جواهر الکلام، ص ۳۹۶)

اما اعمال این ولایت را موکول به زمان بسط ید فقیه و عدم وجود مانعی به نام سلطان جائر دانستند؛ به این معنا که در صورت قبض ید فقیه به دلیل ضرورت پذیرش وضعیت موجود و رعایت تقیه، امور جامعه به والی جائر سپرده شود و در صورت بسط ید و تمکن و قدرت فقیه، امور جامعه باید به وی واگذار گردد:

اگر شارع مبسوط الید بود خراج به والی مسلمانان سپرده می شود وگرنه به سبب مقتضیات تقیه، خراج به حاکم جائر دفع می شود؛ پس اگر مقتضیات تقیه در بعضی از زمان ها و مکان ها، هر چند در مورد بعضی از خراج ها، وجود نداشت خراج به حاکمی که در زمان غیبت از جانب ائمه منصوب باشد پرداخت می شود.<sup>۱</sup>

ایشان همچنین در کتار نجات العباد در این باره می فرمایند:

همان طور قول به عدم سقوط سهم عاملان و جمع آورندگان زکات در زمان غیبت با وجود بسط ید فقیه (نایب امام زمان در عصر غیبت) در بعضی مناطق، قوی به نظر می رسد.<sup>۲</sup>

نکته حایز اهمیت در این است که مراد از ترتب این نیست که فقیه برای اعمال ولایت خود کاری نکند و منتظر قضا و قدر باشد که اگر

۱. «فَإِنْ كَانَتْ يَدُ الشَّرْعِ مَبْسُوطَةً دَفَعَهُ إِلَى وَلِيِّ الْمُسْلِمِينَ، وَإِلَّا دَفَعَهُ إِلَى الْجَائِرِ مَعَ قَضَاءِ التَّقِيَّةِ بِهِ كَفِيرِهِ مِنَ الْأَحْكَامِ الَّتِي شُرِّعَتْ لِلتَّقِيَّةِ، الْمَعْلُومِ كَوْنُهَا دَائِرَةً مَدَارَهَا، فَمَعَ قَرَضِ عَدَمِهَا فِي حَالِ أَوْ فِي زَمَانٍ أَوْ كَانَ لَا يَتَّبَعِي التَّأَمُّلَ فِي عَدَمِ جَوَائِزِ مَرَاعَاتِهَا أَوْ كَوْنِ الزَّمَانِ زَمَانِهَا لَا يَقْتَضِي ذَلِكَ وَإِنْ قَرَضِ عَدَمِهِ فِي بَعْضِ الْأَحْوَالِ كَمَا هُوَ وَاضِحٌ، بَلْ هُوَ مِنَ الضَّرُورِيَّاتِ عِلْمًا وَعَمَلًا». (همان، ص ۱۹۵).

۲. «كما انه قد يقوى عدم سقوط هذا القسم في زمان الغيبة مع بسط يد نائب الغيبة في بعض الاقطار». (محمد حسن نجفی، نجات العباد في يوم المعاد، ج ۲، ص ۶۳)

دست روزگار حاکمِ جائز را از منصبِ ظلمش خلع کرد نوبت ولایت به ولیِ فقیه برسد، بلکه همچنان که پذیرش اصل ولایت بر فقیه، واجب و لازم است، مقدمات تحصیل و ایجاد آن هم بر فقیه لازم است؛ به عبارت دیگر، ایجاد مقدمات حکومت صالح مقدمه واجب است نه مقدمه وجوب. (مقدمه وجوب آن است که هرگاه مقدمات حاصل شد ذی المقدمه واجب خواهد شد مانند وجوب حج به وقت حصول استطاعت که تحصیل استطاعت واجب نیست، بر خلاف مقدمه واجب که تحصیل خود مقدمه مثل ذی المقدمه واجب است مانند وجوب وضو گرفتن برای اقامه نماز).

صاحب جواهر در شرح این عبارت شرایع که «ولایت از جانب سلطان عادل جایز است و چه بسا واجب می شود، همان طور که اگر امام وی را تعیین نماید یا این که امر به معروف و نهی از منکر جز بدان محقق نشود»<sup>۱</sup>

می نویسد:

در این هنگام بر او واجب است قبول ولایت و بلکه طلب کردن آن و تلاش در مقدمات کسب آن، حتی اگر متوقف باشد بر اظهار صفاتی که در وی است باید آن را اظهار کند، زیرا به علت اطلاق ادله امر به معروف و نهی از منکر مقدمات آن نیز واجب می شود؛ همان طور که تلاش در این مقدمات نیز واجب است تا زمانی که عجز عارض شود، و اگر ادعا

۱. «الولاية من قبيل السلطان العادل أو نائبه جائزة و ربما وجب عيناً كما إذا عينه إمام الأصل أو لم يمكن دفع المنكر أو الأمر بالمعروف إلا بها». (همان، ج ۲۲، ص ۱۵۵)

شود که ولایت از مقدمات قدرتی است که شرط وجوب است تحصیل ولایت و قبول آن واجب نیست، چون تکلیف نسبت به ولایت اطلاق ندارد (بلکه مقید به شرط وجود قدرت است). این ادعا دفع می‌شود به وسیله اطلاق امر به معروف که مقتضی وجوب سایر مقدمات است و تا زمان حصول عجز، وجوب امر به معروف و مقدمات آن ساقط نمی‌شود.<sup>۱</sup>

صاحب جواهر گرچه این عبارت را در ذیل قبول ولایت از جانب سلطان عادل آورده است، اما نوع بیان و تعلیل ایشان و اطلاق ادله امر به معروف اقتضا می‌کند که ایجاد و تحصیل حکومت آرمانی شیعه در عصر غیبت هم واجب است و تا زمانی که عجز برای ایجاد آن حکومت حاصل نشود مقدمه تحصیل و ایجاد حکومت و ولایت فقیه از وجوب ساقط نمی‌شود. هر چند این بیان، مقتضای ادله اولیه‌ای است که چه بسا در تعارض با ادله دیگر وجود خود را از دست بدهند.

۱. «فإنه يجب عليه حينئذ قبولها بل تطلبها والسعي في مقدمات تحصيلها حتى لو توقفت على إظهار ما فيه من الصفات أظهرها، كل ذلك لإطلاق ما دل على الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، فتجب مقدماته كما أنه يجب السعي فيها إلى أن يحصل العجز من غير فرقي بين ما كان من فعل الغير و عدمه، و دعوى أن الولاية من مقدمات القدرة التي هي شرط الوجوب، فلا يجب تحصيلها و لا قبولها لعدم إطلاق التكليف بالنسبة إليها يدفعها أن إطلاق الأمر بالمعروف يقتضي وجوب سائر المقدمات، ولا يسقط إلا بالعجز، فيندرج فيها الولاية و غيرها بعد فرض القدرة عليها». (همان، ص ۱۵۵ - ۱۵۶)

## ایجاد انقلاب‌های سیاسی در جوامع

کارکرد مهم و شگفت‌انگیز دیگر انتظار، بروز انقلاب‌های سیاسی در جوامع است. در عصر انتظار، حرکت‌ها و قیام‌های فراوانی بر ضد ستم‌گران صورت گرفته که مشابه آنها هم در زمان حضور امامان معصوم علیهم‌السلام نیز کم و بیش رخ داده و مورد تأیید آن بزرگواران قرار گرفته است. بزرگ‌ترین و برجسته‌ترین آنها در عصر غیبت، انقلاب اسلامی بود که ثمره خون هزاران شهید سرافراز بود و به رهبری بی‌نظیر امام خمینی به پیروزی رسید و برای اولین بار در عصر غیبت، حکومت اسلامی محقق شد و زمینه را برای تحقق حکومت جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام همواره ساخت.

انقلاب حضرت مهدی علیه‌السلام هم چون دیگر انقلاب‌ها، بدون مقدمه و زمینه‌سازی شکل نمی‌گیرد بلکه در آستانه ظهور، انقلاب‌ها و نهضت‌هایی رخ می‌دهد و زمینه را برای قیام مصلح جهانی مهیا می‌کند. در روایات اسلامی پیش‌گویی‌های روشنی از انقلاب اسلامی وجود دارد فی‌المثل، اصطلاح «یاران ایرانی» در روایات هست؛

بدین توضیح که: یاران ایرانی حضرت مهدی علیه السلام مدتی قبل از ظهور، حکومت تشکیل می دهند و درگیر جنگ طولانی با دشمنان می شوند و سرانجام در آن پیروز می گردند.  
امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

گویی می بینم گروهی از مشرق زمین خروج می نمایند و طالب حق اند اما آنها را اجابت نمی کنند، مجدداً بر خواسته هایشان تأکید دارند، اما مخالفان نمی پذیرند وقتی چنین مشاهده می کند، شمشیرها را به دوش کشیده<sup>۱</sup> در مقابل دشمن می ایستند و پاسخ مثبت می گیرند (یعنی دشمن به ظاهر مجبور به پذیرش خواسته های آنان می شود) اما این بار خودشان نمی پذیرند تا این که قیام فراگیر می شود... و درفش هدایت را جز به دست صاحب شما، حضرت مهدی علیه السلام را به کس دیگر نمی سپرند و کشته های آنان شهید محسوب می شوند.<sup>۲</sup>

### انقلاب اسلامی زمینه ساز دولت منتظر

برای شناخت پیوند انقلاب اسلامی ایران با انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام و این که انقلاب اسلامی زمینه ساز حکومت جهانی اسلام است نخست توجه به این نکته ضروری است که ملت ایران از دیرباز مورد توجه پیامبر اسلام و امامان معصوم علیهم السلام بوده اند و در احادیث بسیاری از ایرانیان تمجید شده و از آنان به عنوان وفادارترین ملت ها به

۱. کنایه از آمادگی نظامی.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳.

اسلام یاد شده است. در قرآن کریم می خوانیم:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾<sup>۱</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما از آیین خود بازگردد، خداوند جمعیتی را می آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند، آنها در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامت گری هراسی ندارند این، فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته بیند) می دهد، فضل خدا وسیع و خداوند داناست.

این آیه خطاب به مؤمنان صدر اسلام است که قرآن در میان آنها و به زبان آنها نازل شد، خدای تعالی به آنان هشدار می دهد که اگر از اسلام روی برگردانید و ارزش آن را نادیده بگیرید، قوم و جمعیتی را جای گزین شما خواهد نمود که خدا آنها را دوست دارد و آنها نیز خدا را دوست دارند و متواضع و جهادگرند. هنگامی که از پیامبر ﷺ درباره این قوم و جمعیت سؤال شد، آن حضرت به شانه سلیمان فارسی زد و فرمود: «منظور این مرد و یاران و هموطنان او هستند» پس فرمود:

لو كان الدين معلقاً بالثريا لتناوله رجال من أبناء الفارس؛<sup>۲</sup> اگر دین به

۱. مائده، آیه ۵۴.

۲. مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۰۸ و نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۴۲.



ستاره ثریا آویخته باشد، مردانی از فارس آن را در اختیار خواهند گرفت.

هم چنین فرمود:

أَعْظَمُ النَّاسِ نَصِيباً فِي الْإِسْلَامِ أَهْلُ فَارِسٍ؛<sup>۱</sup> نصیب و بهره ایرانیان در اسلام از همه ملت‌های دیگر فزون‌تر است.

پس ایرانیان وفادارترین ملت‌ها به اسلام اصیل اند و این معنا را پیامبر اسلام حتی پیش از آن که ایرانیان مسلمان شوند، پیش‌گویی نموده است. حال باید دید ایرانیان در حکومت جهانی اسلام و انقلاب حضرت مهدی علیه السلام چه نقشی ایفا می‌کنند و انقلاب اسلامی مردم ایران در زمینه‌سازی آن انقلاب بزرگ چه تأثیری داشته است؟

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، برای اولین بار پس از چهارده قرن پایگاهی در جهان به وجود آمد که بتواند از اسلام اصیل به‌طور رسمی و به‌طور گسترده و جهانی دفاع کند و ایدئولوژی‌رهای بی‌بخش و تکامل‌آفرین اسلام را به گوش توده مستضعف برساند و به آنها نوید پیروزی را با دست خالی بر استکبار جهانی که تا دندان مسلح است، بدهد.<sup>۲</sup>

در منابع روایی شیعه و سنی بر این مطلب اتفاق نظر وجود دارد که آن حضرت (مهدی علیه السلام) بعد از نهضتی مقدماتی که برای او به‌وجود می‌آید، ظهور می‌کند و ایرانیان زمینه‌ساز حکومت آن حضرت و آماده‌کننده مقدمات فرمان‌های الهی وی می‌باشند.<sup>۳</sup> اما حکومت زمینه‌سازان

۱. کنز العمال ۱۲۴۰، ص ۱۰، حدیث ۳۴۱۲۶.

۲ و ۳. محمدی ری شهری، تداوم انقلاب اسلامی تا انقلاب مهدی (عج)، ص ۳۶.

ایرانی به دو مرحله تقسیم می‌شوند:<sup>۱</sup>

۱. مرحله اول، آغاز نهضت آنان به وسیله مردی از قم، کسی که حرکتش سرآغاز امر ظهور حضرت مهدی علیه السلام است، چنان که روایات گویای این است که آغاز نهضت آن حضرت از ناحیه مشرق زمین است.<sup>۲</sup> از زمره روایات ظهور، به پاخاستن مردی از قم و یاران وی می‌باشد، از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود:

مردی از قم، مردم را به سوی خدا دعوت می‌کند. افرادی گرد او جمع می‌شوند که قلب‌هایشان هم‌چون پاره‌های آهن سستبر است، تند بادهای حوادث، آنان را نمی‌لغزانند، از جنگ خسته نشده و نمی‌ترسند، اعتماد آنان بر خداست و سرانجام کار، از آن پرهیزگاران است.

در روایات یاد شده، زمان این پیش آمد مشخص و روشن نشده است، اما مجموعه صفاتی که در روایات متعدد دیگر، درباره قم و ایران وارد شده است موجب اطمینان این معناست که مراد از صفات یاد شده، امام خمینی و یاران وی می‌باشند.

۲. مرحله دوم، ظاهر شدن دو شخصیت مهم از بین ایرانیان به نام «سید خراسانی» فرمانده نیروی آن حضرت و دیگری جوان گندم‌گون به نام «شعیب بن صالح» است که در نهضت مقدس حضرت مهدی علیه السلام حضور می‌یابند.<sup>۳</sup>

۱. عصر ظهور، ص ۲۲۹.

۲. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۳.

۳. عصر ظهور، ص ۲۳۸.

بنابراین، ایرانیان هم در زمینه‌سازی قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نقش به‌سزایی دارند و هم در خود قیام و نهضت آن حضرت چنان که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِئُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ؛<sup>۱</sup>

مردمانی از شرق قیام می‌کنند و زمینه را برای انقلاب جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه فراهم می‌سازند.

مراد از شرق در این حدیث، ایران می‌باشد، همان‌گونه که در روایاتی که درباره ایرانیان وارد شده است به عناوینی مانند: طرفداران سلمان فارسی، اهل مشرق زمین، اهل خراسان، یاران درفش‌های سیاه، فارسیان، سرخ رویان، اهل قم، اهل طالقان و... یاد شده است.<sup>۲</sup> از آن چه ذکر شد می‌توان نتیجه گرفت، - ان شاء الله - انقلاب اسلامی ایران، زمینه‌ساز انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و حکومت جهانی اسلام خواهد بود و این معنا با حدیثی که از پیامبر اسلام نقل شده که انقلابی در شرق به وقوع می‌پیوندد و زمینه را برای حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه مهیا می‌کند، نیز منطبق است.

### تداوم و استمرار انقلاب اسلامی

گفتیم که کارکرد مهم انتظار در روزگار ما، پایه‌گذاری انقلاب اسلامی است. شکی نیست که این انقلاب به تداوم و استمرار نیاز دارد

۱. کنز العمال، حدیث ۳۸۶۵۷.

۲. عصر ظهور، ص ۲۱۹.

تا بتواند تأثیرهای مهم خود را بر جای بگذارد، این تداوم نیز با مدد جستن از مکتب انتظار و باور به آن میسور است، از همین روست که ما کارکرد دیگر انتظار را در چگونگی استمرار این انقلاب و راهبردهای اساسی برای تداوم آن می‌دانیم.

مردم متدین ایران، انقلاب اسلامی را زمینه‌ساز ظهور امام زمان علیه السلام و مقدمه‌ای برای انقلاب اصلی امام عصر علیه السلام می‌دانند. با تفحصی در کتاب صحیفه نور، سخنان ارزنده‌ای از حضرت امام خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، درباره انتظار حضرت بقیه الله علیه السلام به چشم می‌خورد که دلالت بر این می‌کند که این مرد بزرگ، خود را به‌عنوان خدمت‌گزار و سرباز امام زمان علیه السلام در عصر انتظار معرفی کرده و هدف انقلاب اسلامی را زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت می‌داند، زیرا هدف از تشکیل حکومت اسلامی، گسترش اهداف دینی برای رسیدن به حکومت واحد جهانی بوده است.

حضرت امام می‌فرمایند:

از خداوند متعال، مسئلت می‌کنم که ظهور حضرت ولی عصر - سلام الله علیه - را نزدیک فرماید و چشم‌های ما را به جمال مقدس‌اش روشن فرماید و ما، همه انتظار فرج را داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید تلاش کنیم تا قدرت اسلام، در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام ان شاء الله، تهیه بشود.<sup>۱</sup>

۱. صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۵۵، ۵۸/۴/۱۲.

در اندیشه مهدویت، لازمه انتظار، ایجاد و زمینه ظهور و انجام دادن اصلاحات سیاسی و اجتماعی و آماده کردن جامعه برای پذیرش انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام و تحولات اساسی است.

## چگونگی حفظ کارکردهای انتظار

پس از آن که تأثیرات و کارکردهای انتظار را بر شمردیم، اکنون این سؤال مهم و اساسی پیش می‌آید که برای این که بتوانیم این اثرات را به کار اندازیم و آن را پویا کنیم چه باید کرد؟ و این مهم به وسیله چه کسانی فراهم گردد.

گفتنی است که خداوند هرگز نعمتی را از بندگان خود نمی‌گیرد مگر آن که خود چنین عقوبتی را فراهم نمایند. هم‌چنین زمانی که موانع نزول فیض الهی بر طرف شده و جامعه استحقاق آن نعمت عظیم را پیدا کند بلافاصله رحمت الهی نازل می‌شود و حال اگر بر طرف نمودن این موانع تنها از طریق اراده مستقیم خداوند تحقق گردد و مادر آن هیچ نقشی نداشته باشیم، آن وقت این سؤال پیش می‌آید: برای او که امروز و فردا و آسانی و مشکل مطرح نیست و قادر است هر آن، که بخواهد همه موانع را بر طرف نماید پس چرا...؟

معلوم می‌شود موانع از ناحیه مقدس او نیست، باب رحمت او همیشه گشوده است ماییم که باید موانع دریافت رحمت الهی را

کنار بزنیم. به واقع همان طور که غیبت و محرومیت از این نعمت به دست بشر بوده، ظهور او هم این چنین است. ماییم که هرگاه زمینه را فراهم نموده استحقاق این فیض عظیم الهی را پیدا کنیم. قطعاً خداوند ظهور ولیّ اش را از ما دریغ نخواهد ورزید. این بدان جهت است که تکامل انسان تنها با یک سیر طبیعی و گذرا از امتحانات و تحمل مشکلات و مصایب تحقق می‌گردد و سنت تغییرناپذیر الهی بر این است که حتی تحقق انقلاب‌های بزرگ آسمانی هم وابسته به شرایط و اوضاع نامناسب و زمینه‌های طبیعی باشد.

اما آن چه که بیش از همه می‌تواند ما را در تأمین شرایط و زمینه‌های تحقق آن آرمان مقدس یاری دهد، همانا بیداری ملت‌های تحت سلطه جهان و آگاهی آن‌ها به عمق فجایع و جنایاتی است که در حق بشریت می‌رود و در کنار آن ارائه الگوی مناسب و عملی و نشان دادن یک راه نجات و دست‌آویز محکمی است که ملت‌های به ستوه آمده را امیدوار نموده و به سوی خود جلب نماید. در واقع قدم اول این است، که ملت‌های مستضعف، دوستان و دشمنان واقعی خود را بشناسند. مردم جهان باید بدانند که این همه بدبختی‌ها و فشارها و ظلم و ستم‌ها که جان آن‌ها را به لب آورده است از ناحیه کیست؟ هستند ملت‌هایی که تحت شدیدترین محدودیت‌ها و فشارها قرار دارند اما دست‌های پلید و پنهان استکبار را نادیده گرفته و شاید، تنها نقش واسطه‌ها و عمال استکبار را مورد توجه قرار داده‌اند و چه بسا تصور می‌کنند که بسیاری از این بدبختی‌ها ناشی از شرایط طبیعی و اجتناب‌ناپذیر جامعه و منطقه

جغرافیایی آنهاست.

اگر مقطع قبل از پیروزی انقلاب اسلامی را به خاطر آوریم قضایا روشن تر می شود؛ همان زمانی که پرچم دار حقوق بشر را سفاک ترین انسان های تاریخ به عهده داشتند، زمانی که گرگ ها لباس چوپان به تن کرده بودند که همه این ها خود محصول قدرت شیطان و سلطه فکری، فرهنگی و خبری نظام سلطه جهانی بر افکار عمومی جهان بود. آیا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ملت های مستضعف جهان و حتی ملت ما تا این حد به عمق جنایت استکبار و چهره کریه امپریالیسم جهانی واقف بودند؟ این بیداری و دشمن شناسی نعمت بزرگی است که انقلاب اسلامی برای ملت های جهان به ارمغان آورده است.

اما گام دیگری که باید برای فراهم نمودن زمینه های ظهور برداشت معرفی دوستان واقعی بشریت و در واقع نشان دادن راه نجات به ملت های محروم و مستضعف جهان است. یعنی آن گاه که کاسه ملت ها لبریز شده و همه راه ها را بر روی خود بسته می بینند و در می یابند که همه احزاب و اندیشه ها و مکاتب ساخته فکر بشر با شعار دفاع از حقوق انسان و تأمین سعادت او سال های سال بشریت را فریب داده اند و با احساس پوچی، خود را در بن بست شدید دیده و بی خبرانه به دنبال راه نجاتی می گردند، بهترین موقعیت است که با معرفی اسلام ناب محمدی ﷺ که شفا بخش واقعی همه دردها، بدبختی ها و تنها راه سعادت و نجات بشر از پرتگاه نابودی می باشد، فطرت ها بیدار و تشنه انسان ها را سیراب کنیم.



بی شک در این مقطع، نقش انقلاب اسلامی در ارائه یک الگوی موفق از حکومت اسلامی به جهانیان بسیار مهم و سرنوشت‌ساز خواهد بود و این جاست که با تمام وجود احساس می‌کنیم چه مسئولیت حیاتی و خطیری در قبال اسلام و ملت‌های مستضعف جهان بر عهده داریم، چرا که موفقیت ما در داخل بازتاب‌های عمیق و تعیین‌کننده بین‌المللی خواهد داشت به لطف الهی انقلاب اسلامی موفقیت‌های چشم‌گیری در ارائه یک الگوی مناسب به ملت‌های مظلوم داشته است. اگر چه هنوز راه درازی در پیش داریم باز هم برای ارائه تصویر بهتر، چاره‌ای نداریم جز این که به فضای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی باز گردیم. آن وقت به یاد می‌آوریم که حتی در بین مسلمانان، این باور و اعتماد به نفس وجود نداشت که اسلام می‌تواند دنیای پیشرفته و پیچیده امروز را اداره کند و جواب‌گوی همه نیازهای بشری باشد و تفکر جدایی دین از سیاست نه تنها افکار عمومی جامعه اسلامی را در برگرفته بود بلکه بسیاری از علما و روشن‌فکران ما هم تسلیم این تفکر شده بودند.

وقتی چنین تفکری بر جامعه اسلامی حکم فرما باشد طبیعی است که دیگران چه دیدگاهی نسبت به نقش اسلام یا به طور کلی نقش دین در جامعه خواهند داشت. چرا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تفکرات مارکسیستی و یا اندیشه‌های ملی‌گرایی و یا ناسیونالیستی این قدر جولان می‌کردند و حتی افکار جوانان دانشجوی و مسلمان را به سمت خود جلب کرده بود؟

چرا مارکسیست‌ها خود را پرچمدار مبارزه ضد امپریالیستی دانسته و گروه گروه ملت‌های تحت ستم را فریب می‌دادند؟ امروز به برکت انقلاب اسلامی نه تنها پوچی و فریب کاری مارکسیست‌ها بر ملاحظه بلکه دیگر حنای اندیشه‌های ناسیونالیستی و ملی‌گرایی، لیبرالیستی و همه ایسم‌ها و افکار وارداتی و ساخته و پرداخته افکار ناقص بشر بی‌رنگ است.

اگر شما قبل از پیروزی انقلاب اسلامی خطاب به مردم دنیا فریاد می‌زدید که داروی شفا بخش شما نزد ماست و تنها اسلام است که شما را از بدبختی‌ها و بیچارگی‌ها نجات می‌دهد، آیا واقعاً در سطح جهان و افکار عمومی پذیرش داشت؟ آیا به ما نمی‌گفتند که خود شما از ما گرفتارترید و بیش از ما زیر بار ظلم و ذلت بیگانگان هستید؟ امروز، با وجود تبلیغات مسموم استکبار جهانی، ملت‌های محروم و مستضعف دنیا تا حد زیادی متوجه شده‌اند که تنها یاور محرومان عالم کیست؟ حتی کشورهایی که به سبب اختناق شدید ظاهراً هیچ جنب و جوش در آنها وجود ندارد، اما انقلاب اسلامی افکار آنها را متأثر نموده است و این خود پیروزی بزرگی است.

این جاست که باید با افتخار اعلام کنیم که انقلاب اسلامی بهترین الگوی انتظار و امام و رهبر انقلاب اسوه منتظرین واقعی انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام می‌باشند و به حق بهترین عبادت‌کنندگان خدا در عصر حاضرند.

کوتاه سخن این که در عین حال نمی‌توان حوادث و شرایط زمان

ظهور را بازگو کرد، اما در پرتو روایات و احادیث و توجه به سنت‌های تغییرناپذیر خداوند و نیز تجربه انقلاب‌های بزرگ الهی می‌توان دریافت که آن انقلاب عظیم جهانی به وقوع خواهد پیوست؛ انقلابی که پس از بروز یک خلأ عظیم معنوی که بر اثر گسترش بی‌رویه ظلم و تباهی و فساد و در کنار آن بروز سرخوردگی و تنفر جامعه بشری از همه مکاتب پوچ تنها باقی ماندن یک راه آن هم مطابق با فطرت پاک الهی و برخاسته از شعور باطنی انسان‌ها و بهره‌گیری از کارکردهای مثبت انتظار و در نهایت پس از پدید آمدن زمینه کامل روحی و روان و تشنگی بیش از حد ملت‌ها برای پذیرش آن مصلح جهانی و موعود همه انبیا و اولیای الهی تحقق خواهد یافت. به فضل پروردگار، انقلاب اسلامی به میزان زیادی جوامع بشری را به سمت این باور و نیاز حیاتی سوق داده است.

## توطئه‌ها علیه کارکردهای انتظار

بر اساس تعالیم همه مکاتب آسمانی «انتظار» در همه انسان‌ها وجود دارد و زمینه آن در همه جوامع بشری از متمدن و غیر متمدن به چشم می‌خورد، ولی استکبار پیشه‌گان، پیوسته کوشیده و می‌کوشند تا مبانی اعتقادی جامعه‌ها را بی‌اعتبار سازند. چنین تبلیغ می‌کنند که «انتظار» عامل رکود و سستی است و ایمان به یک آینده روشن بازتابی از محرومیت‌های طبقه شکست خورده و یک آرامش موقت است که در لباس مذهب خودنمایی می‌کند.

به نظر ما یکی از مسائل مهم اعتقادی اسلام که در طول چهارده قرن تاریخ اسلام بی‌رحمانه مورد هجوم دزدان عقیده قرار گرفته است، همین مسئله «انتظار» و عقیده به ظهور آخرین حجت خدا حضرت مهدی علیه السلام است، زیرا استعمارگران از هنگامی که این عقیده زیر بنایی را سد راه منافع خود دیده‌اند، پیوسته کوشیده‌اند تا با انواع دسیسه‌ها، آن را از کار انداخته و بی‌ثمر سازند و گروهی هم ندانسته به پیروی از آنان پنداشته‌اند که انتظار فرج و عقیده به ظهور امام غایب،

عامل رکود و عقب ماندگی است. در حالی که بررسی این آرمان اصیل و سازنده، نادرستیِ بینش و روش هر دو دسته را به خوبی روشن می‌سازد.

در امریکا کتابی با نام *Aplan - to divis and - desnoylte - tbeology* چاپ شده که در آن مصاحبه مفصل دکتر «مایکل برانت»، رئیس سابق سیا (BAB WOODWORDS) و عضو مهم بخش شیعه سازمان سیا، منتشر شده است. وی در این مصاحبه از اسرار تکان دهنده‌ای پرده برداشته است و کارکنان سیا را به فساد مالی در نهمصد میلیون دلار بودجه اختصاص داده شده علیه شیعیان متهم کرده و گفته است: کارکنان سیا در کلمبیا و افغانستان نیز پول‌های هنگفتی را در مسائل شخصی صرف کرده‌اند. گفتنی است که دکتر «مایکل برانت» سال‌های طولانی در بخش مذکور فعالیت داشته و لکن چندی پیش به خاطر فساد مالی و اداری از کار برکنار شده و ایشان هم از باب انتقام‌جویی خیلی از اسرار محرمانه را فاش کرده است.

ما ترجمه نکاتی از مصاحبه طولانی ایشان را می‌آوریم تا امت اسلامی از فعالیت‌های شوم علیه خود آگاه شود. دکتر برانت می‌گوید:

عالم اسلام از قرن‌ها پیش تحت تسلط دولت‌های غربی بوده است، گرچه در قرن گذشته اغلب کشورهای اسلامی آزاد شده‌اند، ولی غرب بر همه آزادی، استقلال، سیاست تعلیم و فرهنگ آن‌ها مسلط بوده است؛ به ویژه نظام سیاسی و اقتصادی این کشورها در کنترل ما

بوده است و بعد از آزادی این کشورها، به تمدن و فرهنگ خود هیچ توجهی نکرده و نظام غرب را در جامعه خود ترویج کردند.

در سال ۱۹۸۹ انقلاب اسلامی ایران به سیاست‌های ما ضررهای فراوانی زد، افراد ما ابتدا خیال می‌کردند که این، نتیجه سیاست‌های ناقص و غلط و خفقتانی بی‌نهایت شاه ایران است، و یک انعکاس طبیعی ملت است که عناصر مذهبی نیز در حال بهره‌گیری از آن هستند که بعد از برکناری شاه ایران ما افراد مطلوب خود را روی کار می‌آوریم و سیاست‌های خود را تداوم خواهیم بخشید. بعد از ناکامی شدید آمریکا در دو - سه سال اول (گروگان‌گیری سفارت آمریکا و نابودی هواپیماهای آن در صحرا) و بعد از رشد روزافزون بیداری اسلامی، نفرت علیه غرب و بعد از ظهور اثرات خروش و ولوله انقلابی در میان شیعیان کشورهای مختلف بالاخص لبنان، عراق، کویت، بحرین، پاکستان، در نهایت گروه‌هایی بزرگ، از مقامات بلند پایه «سیا» تشکیل شد که در آن نماینده سرویس اطلاعات مخفی انگلیس به نام MIX نیز شرکت نمود (انگلیس تجربه وسیع کار در کشورها را دارد). در این گروه‌ها تصویب شد که انقلاب ایران فقط نتیجه انعکاس طبیعی سیاست‌های شاه ایران نبوده است بلکه در باطن عوامل و حقایق درگیر نیز وجود دارد که محکم‌ترین آن عوامل حصول رهبری سیاسی ایران برای مرجع کل مذهبی توسط اسلام شیعی و شهادت [امام] حسین نوه پیامبر اسلام در ۱۴۰۰ سال پیش است که شیعه از مسلمان‌های دیگر بیشتر فعال و متحرک دیده می‌شوند. در همین گردهمایی تصویب شد

که برای مطالعه اسلام شیعی و برای برنامه‌ریزی و کار بر روی این پروژه، یک شعبه جداگانه مستقلی تأسیس شود و نخستین بودجه چهل میلیون دلار آمریکایی (حدود ۳۴ میلیارد تومان) برای آن اختصاص یافت.

به قول دکتر مایکل برانت طبق برنامه‌ریزی برای تکمیل این پروژه، سه مرحله در نظر گرفته شد:

۱. جمع‌آوری اطلاعات (Datacollection)؛

۲. اهداف کوتاه مدت (Short term target) با تبلیغات علیه شیعه و راه‌اندازی آشوب‌های بزرگ شیعه و سنی، آنها را با اکثریت سنی درگیر کردن تا توجه آنها از آمریکا برگردد؛

۳. اهداف دراز مدت (long term - target) خاتمه شیعیت با عمل بر اهداف دراز مدت طبق مرحله اول محققان آنها به تمام جهان اعزام شدند که از آنها شش نفر فقط به پاکستان رفتند که اسامی آنها در مقاله نوشته شده و از جمله آنها دکتر شومویل است. وی درباره عزاداری مردم کراچی در ماه محرم تحقیق کرده و مدرک دکترای خود را اخذ کرد و در منطقه شیعه‌نشین کراچی به‌عنوان PAYING - GUEST مقیم بود. یک خانم ژاپنی هم به نام «نکومه» در کویته بلوچستان درباره قوم هزاره و شیعه تحقیق کرد و دکترای خود را تکمیل نمود. در نظر سنجی اول سؤال‌های آنها چنین بود:

۱. شیعیان جهان در کدام مناطق جهان ساکن‌اند و تعدادشان چه قدر است؟ آداب و رسوم و نحوه معاشرت و عقاید ویژه آنها چیست؟

۲. چگونه می‌توان تضادهای داخلی شیعیان را آشکار کرد؟

۳. با چه روش‌هایی می‌توان اختلافات شیعه و سنی را بیشتر کرد؟

دکتر مایکل برانت می‌گوید: بعد از نظر سنجی‌های اولیه و جمع‌آوری اطلاعات در مورد شیعه تمام کشورها، نقاط مشترک زیر به دست آمد:

مراجع شیعه سرچشمه اصلی قدرت این مذهب‌اند که در هر زمان از دین صیانت می‌کنند. آنان در تاریخ طولانی تشیع هیچ وقت با حاکم غیر اسلامی بیعت نکردند. یک مرجع وقت آیه‌الله شیرازی با صدور فتوایی از نفوذ انگلیس در ایران جلوگیری کرد. شهر نجف در عراق که بزرگ‌ترین مرکز علمی شیعه است صدام با تمام توان و کوشش خود نتوانست آن را تابع خود کند. حال این که مراکز علمی دیگر در جهان همیشه با حکام وقت همراهی کرده‌اند. هم‌چنین حوزه علمی قم در ایران توانست حکومت شاهنشاهی را برچیند و با ابرقدرت امریکا نبرد کند. در لبنان نهضت آیه‌الله صدر ارتش‌های انگلیس فرانسه و اسرائیل را مجبور به فرار از لبنان کرد. بعد از آن، بزرگ‌ترین مزاحمت را به شکل «حزب الله» به وجود آورد.

با مطالعه این نمونه‌ها به این نتیجه رسیدیم که تصادم مستقیم با شیعه، ضررهای زیادی دارد و امکان پیروزی کم است، لذا باید پشت پرده کار کرد و به جای اصل قدیم انگلیسی «تفرقه بینداز و حکومت کن» اصل دیگر «تفرقه بینداز و نابود کن» را پیش بگیریم.



ما باید افرادی را که با شیعه اختلافات عقیدتی دارند علیه آنان منظم و متحد کرده، شایعه کافر بودن شیعیان را گسترش دهیم و آنها را با تبلیغات منفی از جامعه جدا کنیم. باید علیه آنها مطالب نفرت‌انگیز نوشته شود، افراد کم‌سواد و بی‌سواد را جمع کرده آنها را تقویت کنیم.

وقتی آنها به مقدار کافی رسیدند علیه شیعیان جهاد مسلح شروع شود. از سوی دیگر، یک جبهه تمام عیار علیه مراجعین تشیع گشوده شود که از آن به عنوان ستون پنجم باشد و سیمای شیعیان منسوخ شود تا اینها در عوام غیر مقبول شوند و مورد نفرت قرار گیرند. در همین باره دکتر مایکل برانت می‌نویسد:

شیعه‌ها در مراسم عزاداری به یاد واقعه کربلا جمع می‌شوند و یک نفر سخنرانی می‌کند و واقعه کربلا را بیان می‌کند و مستمعین آن را گوش می‌کنند و بعد از آن، طبقه جوان سینه زنی و ماتم می‌کنند این سخنرانی‌ها و مستمعین آنها برای ما مهم هستند، زیرا از همین عزاداری و مجالس در شیعیان جوش و خروش و تحریک آنها به جنگ با باطل و آزادی به وجود می‌آید. لذا ما بودجه ده‌ها میلیون دلاری خود را برای در دست گرفتن این سخنرانی‌ها و مستمعین آنها اختصاص داده‌ایم.

برای این کار در مرحله اول به دنبال افرادی از شیعیان می‌رویم که پول پرست باشند و سست عقیده باشند و پول و شهرت در آنها رسوخ کند، ما به وسیله آنها در عزاداری‌ها نفوذ پیدا می‌کنیم و از آنها

می‌خواهیم کارهای زیر را انجام دهند:

۱. به وجود آوردن و یا سرپرستی مداحانی که به عقاید شیعه آگاهی ندارند.

۲. یافتن ناآگاهانی که بتوانند با نوشتار عقاید و مراکز شیعه را هدف قرار دهند و بنیان‌های شیعه را خرافی جلوه دهند.

۳. در عموم جامعه سیاسی، عزاداری طوری مطرح شود که در آن یک گروه جاهل و توهم‌پرست در محرم مزاحمت‌هایی برای انسان‌های عادی به وجود می‌آورند. برای تشریح این برنامه‌ها پول‌های هنگفتی خرج شود و مداحان خوب تشویق شوند.

بدین ترتیب شیعه که یک مذهب دارای قوت منطقی است تبدیل به مذهب درویشی محض می‌شود و از درون پوک می‌گردد. هم‌چنین با این برنامه در خود شیعه افتراق و انتشار گسترش می‌یابد و در نهایت توسط نیروهای نظامی به آنها تیر خلاص زده می‌شود.

۴. علیه مرجعیت، مطالب فراوانی جمع شوند و بعد این مطالب به دست نویسندگان پول‌پرست و بی‌نام داده شود و بر نشر و اشاعه آن پول خرج شود و میان مداحان و عوام شیعه این مواد زیرزمینی پخش شود. در مرحله‌هایی این برنامه، صدای خود شیعیان را علیه مرجعیت بلند کرده تا سال ۲۰۱۰ میلادی مرجعیت شیعه را نابود و شیعه‌های باقی مانده را پراکنده کرده و این‌طور مرجعیت را که تا امروز سند اصلی بوده است به دست‌های خود شیعه خاتمه دهیم.

در پایان، دکتر مایکل می‌گوید: به بعضی از این برنامه‌ها عمل شده

و برخی در حال عمل شدن است و باقی مانده در آینده عمل خواهد شد.<sup>۱</sup>

### غرب و مهدویت

اصولاً این بحث مطرح است که چرا مهدویت برای غربی‌ها مهم است و سطح شناخت آنها در این باره تا چه اندازه است؟ این موضوعی بسیار مهم و در عین حال مفصل و حدود ۸۰۰-۹۰۰ سال اسلام‌شناسی و شرقی‌شناسی غربی‌ها را به خود اختصاص داده است و برای یافتن پاسخ می‌باید مدتی طولانی آثار اسلام‌شناسی و شرق‌شناسی مورد مطالعه و نقد و بررسی قرار گیرد و سپس مجموعه تحقیقات گسترده به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران که توسط برخی محققان و سازمان‌های مطالعات غربی صورت گرفته بازشناسی شود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که از دیدگاه برخی از محققان غربی غیر منتظره بود و از یک مبانی شهودی و نظری بهره می‌برد سعی کردند با شناسایی برخی مفاهیم که به نحوی عقبه نظریه انقلاب را پوشش می‌دهد، در جهت تخریب آنها عمل کنند، به همین دلیل اولین مصداق رسانه‌ای علیه مهدویت به عنوان یکی از جدی‌ترین محورهای پویایی سیاسی شیعه یکی - دو سال بعد از پیروزی انقلاب توسط کمپانی «وگلدین میره» آلمانی ساخته شده فیلمی است تحت عنوان «مردی که فردا یا آینده را دید» یا در عرف جهانی «پیش‌گویی‌های نوستر

۱. مدیر بقیة‌الله اسلامیک ستر.

داموس»، این فیلم این طور آغاز می شود که ما در جهان سه ضد مسیح داریم: ناپلئون، هیتلر و King of massagrd - مردی که نام پیامبری را که آخرین پیامبر است را به خود دارد. در این فیلم سعی وافری صورت گرفت این که چهره‌های بسیار مخرب از موعود شیعه در جهان ارائه بشود، چون مفهوم انقلاب اسلامی ایران را اعتقاد به منجی گری امام زمان می دانستند چیزی که بعدها (سه سال بعد) در کنفرانس شیعه شناسی تل آویو شکل بسیار بارز آن را دیدیم.

در دایرة المعارف بریتانیکا، در واژه مهم اسلام و زرتشت آمده است: «اسلام، دینی نیست که در آن، ظهور انتظار برود و جایی برای مسیح نجات بخش در آن وجود ندارد و این همه، به طور تدریجی و شاید تحت تأثیر مسیحیت مطرح گردید. قرآن، اشاره‌ای به آن ندارد به هیچ حدیث - گفته منسوب به پیامبر ﷺ قابل اعتمادی نیز در مورد مهدی عجل الله فرجه نمی توان استناد کرد.»<sup>۱</sup>

در دایرة المعارف دینی و اخلاق - مارگلی پوت (اسلام شناس بزرگ اروپایی) در مقاله خود درباره مهدی در سال ۱۹۱۵، این تفکر را وارداتی و برگرفته از یهود و مسیحیت تلقی می کند، جیمز دار مستر همین نظریه را ارائه می دهد.

منیر بعلبکی در موسوعة المورد ذیل واژه «مهدی المنتظر» آورده است: «در قرآن و روایات نبوی، هیچ اشاره‌ای به مهدی نشده است».  
نوستر داموس درباره جهانی شدن انقلاب اسلامی ایران مطالبی

دارد. شاهزاده عرب، مریخ، خورشید، ناهید، شیر، حکومت کلیسا را از طریق دریا از پای در خواهد آورد از جانب ایران (پرشیا) بیش از یک میلیون پرهیزگار به بیزانس و مصر، به سوی شمال هجوم خواهند آورد.<sup>۱</sup>

### هالیوود و مهدویت

جهان امروز جهان تصویر است و عمده‌ترین مصداق تصویر سینماست. از طریق تصویر جذاب‌ترین، مؤثرترین، کارآمدترین و ماندگارترین اطلاعات به مخاطب منتقل می‌شود و ذهنیت وی نیز چنین قدرت و جایگاه پذیرش را داراست؛ یعنی تصویر کارآمدترین عامل نه تنها برای انتقال معلومات بلکه تأثیرگذاری روی شخصیت و روان افراد قرار می‌دهد.

هالیوود به عنوان مرکز فیلم‌سازی آمریکا در سال هفتصد فیلم تولید می‌کند و سالانه ۱۶ و ۱۵ میلیارد دلار سود خالص دارد و نزدیک به ۷۸٪ سینماها و تلویزیون‌های جهان از آن تغذیه می‌شوند.

غرب فیلم خنثی ندارد، و قدرت عظیم سینمایی بوده و هست، به همین دلیل مهم‌ترین کاری که می‌کند این است که مبانی نظری خویش را، که محصول ایده‌ها و اهدافش است، به زبان تصویر ترجمه می‌کند.

رسانه، مهم‌ترین و اصلی‌ترین ابزار تسلط فرهنگی غرب است،

۱. پیش‌گویی‌های نوستر داموس، قسمت چهارم.

چون تصویر یک زبان، بین‌المللی است و بایه‌ره‌گیری از این زبان سعی در ترویج این مطلب دارد که نظام فرهنگی حاکم بر غرب تنها سیستمی است که جهان را از خطراتی که وجود دارد حفظ می‌کند.

«روز استقلال»، از فیلم‌هایی است که به خوبی در پی این پیام است. بحث آینده‌نگری در غرب جدی است و به عبارتی جدی‌تر از فضای ما و علتش هم این است که ما با مسئله انتظار در بعد مذهبی و دینی خودمان روبه‌رو می‌شویم، اما در غرب بحث آینده‌نگری در تمامی ابعاد، فوق‌العاده جدی است.

برای غرب، شناخت محورهای اسلام - به ویژه شیعه - خیلی مطرح است، برای آنها آینده بسیار مهم است و اکنون صدها فیلم با محوریت «آینده» در دست تولید دارند (نوسترداموس، روز استقلال، ماتریکس، آرماگدون و...) وقتی بازی جهنم خلیج فارس (یا مهدی) در غرب ساخته می‌شود یعنی آینده برای آنها مهم است.

در این بازی خلیج فارس را مرکز حرکت‌های تروریستی جهان جلوه می‌دهند و در بُعد روان‌شناسی افراد را نسبت به امام زمان و لفظ یا «مهدی» شرطی می‌کند.

غرب تلاش می‌کند مدینه فاضله خویش را فقط از طریق تصویر به وجود آورد تا بتواند افکار عمومی را با خویش همراه کند، زیرا در فضایی که دموکراسی اصل می‌شود برای افکار عمومی قدرت‌ساز است و به همین دلیل باید روی آن کار کرد.

اکنون «تربیت»، جای «تهاجم» را می‌گیرد و همه اینها بیانگر آگاهی

از نقش محوری مهدویت در دو‌یست سال گذشته در تکوین حرکت‌های اجتماعی و سیاسی در متن شیعه است. غرب هر جا پا گذاشته تأثیر انقلاب اسلامی را مشاهده کرده، لذا اکنون تخریب مفهوم مهدویت در جهان کار می‌کند. از یک سو مهدویت ما را می‌کوبد و از سوی دیگر، مهدویت تخیلی خود را ترویج می‌دهد و ماتریکس و Zion را می‌سازد.

در هند گوتمه را طلب می‌کنند، زرتشتی‌ها که معتقدند دنیا در حال تمام شدن است و زمان ظهور «سوشیانت» دارد می‌آید. در یهود و مسیحیت هم این مسئله بسیار حساس است. پس انگیزه‌ها و پذیرش جهانی برای پذیرش مسئله «منجی» وجود دارد.

رسالت شناساندن امام زمان، امام حسین و امام علی علیه السلام به جهان برای ما بسیار مهم است. امیدواریم مسئولان ما اهمیت این قضیه را احساس کرده باشند.

بعد از ظهور صفویه در ایران و اوج‌گیری اهداف استعماری غرب نسبت به شرق و این که ایران را می‌خواست دروازه هند کند مسئله مذهب برای آنها جدی بود، عثمانی‌ها سنی بودند و ایرانیان شیعه، آنها به‌طور جدی وارد شناخت مبانی مذهبی ما شدند که از آن برای خود استفاده کنند که یکی از مواردی که به آن پی بردند مسئله «باب» بودن بود، که در اعتقادات اسلامی ما وجود دارد، یعنی همان منجی داریم که زمانی ظهور می‌کند، لذا سعی کردند که از این موضوع برای رسیدن به اهداف سلطه جویانه خود استفاده کنند.

در خاطرات «مستر همفر» در مورد «محمد علی باب» آمده است که غرب نسبت به تأثیر و اوج دادن و حضور این اندیشه در تمدن اسلامی شناخت پیدا کرده است.

«در دسامبر ۱۹۸۴ م (۱۳۵۶ ش) در دانشکده تاریخ تل آویو با همکاری مؤسسه مطالعاتی شیوهه - که یک مؤسسه مطالعاتی غیر انتفاعی است و متصل به صهیونیسم است - کنفرانسی با حضور سیصد شیعه‌شناس درجه یک جهان برگزار شد و ظرف مدت سه روز در آن سی مقاله ارائه شد و به قول مارتین کرامر یکی از شیعه‌شناسان جهان که دبیر این کنفرانس بود، هدف اصلی از برپایی این کنفرانس، شناخت مفاهیم محوری در تمدن شیعه اثنی عشری و بعد بالطبع شناسایی انقلاب اسلامی ایران بود»<sup>۱</sup>.

مارتین کرامر دبیر کنفرانس گفت: ما این کنفرانس را برپا کردیم که ریشه‌ها و مبانی انقلاب ایران و آثار و نتایج آن را در جهان بررسی کنیم.

در این کنفرانس شاهد هستیم که چقدر مسئله امام زمان برای آنها مهم است و بعد بازی کامپیوتری یا مهدی ساخته شد. مقالات مختلفی نوشته شد. فیلم‌های مختلفی ساخته شد، منتها از دهه نود به بعد، سبک کار را عوض کردند، چون می‌دیدند اگر امام زمان شیعیان را نفی کنند به نحو دیگر اثباتش کرده‌اند، زیرا در جهان این رویه وجود دارد که

۱. تهاجم یا تفاوت فرهنگی، حسن بلخاری، ص ۹۳.



چیزی را که غرب نفی کند حتماً یک ارزشی است، افکار عمومی جهان این زیرکی را هم دارند و در عین حال اگر این رویه ادامه پیدا کند به نحوی تبلیغ هم هست، لذا در دهه نود در فیلم‌های صهیون، تریاگدون یک بعد اثباتی برای آن طرف مطرح شد.

دکتر «فرانسواتوال» می‌نویسد:

برنامه مذهب [شیعه] در جلوه ظاهری‌اش این‌گونه است: زندگی در

انتظار بازگشت امام، همراه با مبارزه به خاطر عدالت بر روی زمین.

هر کس درخواهد یافت که تشیع، با چنین طرح و نقشه اعتقادی و ایدئولوژیکی است که می‌تواند به صورت اهرم نیرومندی در جهت برهم زدن ثبات جهان ظاهر شود. تشیع هر چند از نظر جغرافیایی در یک منطقه پراکنده اما خیلی محدود قرار گرفته، ولی مبارزه‌ای را دنبال می‌کند که ادعای جهانی دارد. رسالت شیعه تا حدودی قابل مقایسه با رسالت و پیام کمونیسم است که در آن، طبقه کارگر برای آزادی کل بشریت مبارزه می‌کرد.

نه تنها بر ناظرین و خبرگان، بلکه بر مسئولان سیاسی است که این واقعیت را به خوبی درک کنند. صلح در خاور میانه و حتی در جهان به طور اساسی، به اداره این نیروی جدی بین‌المللی، یعنی جوامع شیعی بستگی دارد. اخبار روز نشان می‌دهد که شیعه، علی‌رغم خشونت‌ها، شکنجه‌ها یا جنگ‌ها، ضعیف و مضمحل نشده است.

بالاخره ژئوپولتیک شیعه تنها به جهان اسلام با تمام وسعتش مربوط نمی‌شود. «ژان پی یر شونمان» در کتابش به نام «سبز و سیاه»

اشاره کرده است که: مرکز ثقل جهان عرب از بیست سال پیش، از مدیترانه به خلیج [فارس] منتقل شده است و اگر بخواهیم به تعبیر دیگر بگوییم به نظر می‌رسد که مرکز ثقل جهان عرب از مناطق کاملاً سنی به طرف مناطق شیعی - سنی کشیده شده است. در این راستا، تنش‌های موجود، به دلیل گسترش طلبی شیعه و یا صف‌بندی‌های انجام شده در برابر آن به ورای جهان اسلام سرایت پیدا کرد و به تمام سیستم بین‌المللی مربوط می‌شود.<sup>۱</sup>

---

۱. ژئوپولیتیک شیعه، ترجمه دکتر علیرضا قاسم آقا، ص ۱۴ - ۱۵.

## فهرست آیات

- ۲۶..... هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ.....
- ۲۷..... لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ.....
- ۴۵..... وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ.....
- ۴۶..... أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ.....
- ۴۷..... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ.....
- ۵۰..... لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ.....
- ۸۴..... وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَىٰ الَّتِي بَارَكْنَا.....
- ۸۵..... فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ.....
- ۱۰۹..... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ.....

---

## ملخص

يعتبر خطاب «الانتظار» اكثر الخطابات الموجودة في التعاليم الدينية نمواً و منجزات و ابرزها أداءً للدور الاجتماعي. و بدافع من بث الوعي و اليقظة للمنتظرين و كذلك مكافحة القراءات المنحرفة التي تفسر «الانتظار» باعتباره التنحي عن الساحات الاجتماعية، فقد كتب العمل الحاضر لديك في فصلين هما: الانتظار و مشهد المستقبل و وظائف الانتظار.

مؤسسة بوستان كتاب

---

مؤسسة بوستان كتاب

مركز الطباعة والنشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامي

الناشر الافضل على المستوى الوطني

عنوان المكتب المركزي: ايران، قم، اول شارع شهداء، ركن الزقاق ١٧، ص ب: ٩١٧

الهاتف: +٩٨٢٥١٧٧٤٢١٥٥، الفاكس: +٩٨٢٥١٧٧٤٢١٥٤، التوزيع: +٩٨٢٥١٧٧٤٣٤٢٦

# الدور الاجتماعي للانتظار

حسن عبيد پور

مؤسسة بوستان كتاب

۱۳۸۶/۱۴۲۸

## **Abstract**

Among the various topics in religious teachings, the rise, growth and influence of the phenomenon of the “Expectation” (Awaiting the Second Coming of Mahdī) have been more conspicuous than others, and the social role of the Expectation even more so.

The motive to research and produce this work has been to educate and awaken those who are enthusiastically awaiting the Coming of Mahdī, and also fight against deviationist interpretations that have translated the philosophy and logic of the principle of the Expectation as adopting a pacifist approach towards issues of social concern. The book has been arranged in two parts: The Expectation and the Future Outlook; and The Functions of The Expectation.

**The Publisher**

## **Būstān-e Ketāb Publishers**

Frequently selected as the top publishing company in Irān, Būstān-e Ketāb Publishers is the publishing and printing house of the Islāmīc Propagation Office of Howzeh-ye Elmīyeh-ye Ghom, Islāmīc Republic of Irān.

P.O. Box: 37185-917

Telephone: +98 251 774 2155

Fax: +98 251 774 2154

E-mail: [info@bustaneketab.com](mailto:info@bustaneketab.com)

Web-site: [www.bustaneketab.com](http://www.bustaneketab.com)

**Naghsh-e Ejtemā'ī-ye Entezār**

**The Social Role of the Expectation**

Hasan-e Abdī-pūr

**Būstān-e Ketāb Publishers**

1386/2007

تاسمن الانبمه، خ چهارباغ، جنب مسجد بقیة...

تلفن: ۲۲۲۲۵۲۹

خاتم الانبیاء، خ حافظ، تلفن: ۲۲۱۳۰۵۰

خدمات فرهنگی فدک، خ مسجد سید، تلفن: ۲۲۰۵۴۸۵

پیام عترت، خ مسجد سید، تلفن: ۳۳۶۷۴۵۱

فرهنگسرای اصفهان، دروازه دولت، تلفن: ۲۲۰۴۰۲۹

نشر و بخش کریم اهل بیت، سبزه میدان، مجتمع

تجاری امیر، تلفن: ۲۲۳۸۸۲۲

مرکز آموزش های تخصصی حوزه علمیه اصفهان، چهارراه

تختی، تلفن: ۲۲۵۰۱۳۰

### ○ کاشان:

یزدانخواه، بازار، تلفن: ۴۴۵۲۸۵۹

خانه کتاب، چهارراه آیه الله کاشانی، روبروی جهاد،

تلفن: ۴۴۵۰۳۱۳

### ○ خوانسار:

ارمغان قلم، خ امام، جنب بانک ملی مرکزی، تلفن: ۲۲۲۲۲۲۴

### بوشهر

### ○ بوشهر:

موعود اسلام، خ لیان، تلفن: ۲۵۲۴۹۳۳

### تهران

### ○ تهران:

آفاق، خ پاسداران، دشتستان چهارم، تلفن: ۲۲۸۴۷۰۳۵

بخش آثار، خ شهدای ژاندارمری، تلفن: ۶۶۴۶۰۲۳۳

پخش پکستا، خ انقلاب، چهارراه کالج، ابتدای

حافظ شمالی، تلفن: ۸۸۹۲۶۲۷۰

پخش دانش علم، خ انقلاب، خ ۱۲ فروردین، تلفن: ۶۶۹۵۴۸۵۰

حافظ نوین، بازار بین الحرمین، تلفن: ۵۵۶۳۱۲۷۲

حکمت، خ ابوریحان، شماره ۳، تلفن: ۶۶۴۶۱۲۹۲

دارالکتاب الاسلامیه، خیابان پیامان،

تلفن: ۵۵۶۲۷۴۴۹-۵۵۶۲۰۴۱۰

دفتر نشر فرهنگ اسلامی، خ انقلاب، تلفن: ۶۶۴۶۹۶۸۵

دفتر نشر فرهنگ اسلامی، خ شریعتی، پشت حسینیه ارشاد،

خ شهید ناطق نوری، شماره ۱۷، تلفن: ۲۲۸۵۸۹۴۷

سازمان تبلیغات اسلامی، میدان فلسطین، تلفن: ۸۸۹۰۳۸۴۳

سروش، خ انقلاب، تلفن: ۶۶۴۹۳۶۲۰

شبکه اندیشه، ابتدای خ آزادی، تلفن: ۶۶۹۲۵۱۲۷

شفیعی، خ اردیبهشت، تلفن: ۶۶۲۹۴۶۵۴

قدیانی، خ شهدای ژاندارمری، تلفن: ۶۶۴۰۴۳۱۰

کتاب مرجع، خ فلسطین، تلفن: ۸۸۹۶۱۳۰۳ و ۸۸۹۶۳۷۶۸

کتاب شهرو، خ انقلاب، خ ابوریحان، خ شهید نظری،

ش ۹۲، طبقه ۳، تلفن: ۶۶۴۱۲۷۶۲

کوکب، خ ۱۲ فروردین، تلفن: ۶۶۴۰۶۵۲۸

محصولات فرهنگی عصر ظهور، خ السریه، تلفن: ۲۲۱۴۷۲۴۰

مولی، خ انقلاب، تلفن: ۶۶۴۰۹۲۴۳

کتابفروشی علامه شعرانی، میدان انقلاب، ابتدای خیابان

شهدای ژاندارمری، پاساژ کوثر، پلاک ۱،

تلفن: ۶۶۹۷۱۹۷۳-۵

### ○ کرج:

گل نوگس، سه راه رجایی شهر، تلفن: ۴۴۸۱۶۹۳

خامس ال عبا، میدان کرج، اول بلوار شهید چمران،

تلفن: ۲۲۴۸۴۸۶

### خراسان رضوی

### ○ مشهد:

انتشارات امام، ابتدای کوی دکترا، تلفن: ۸۴۳۰۱۴۷

### ○ سبزوار:

نشر انتظار، میدان صاحب الزمان، تلفن: ۲۲۲۱۸۸۸

### ○ فریمان:

کتابفروشی ستاد شهید مطهری، خ امام خمینی،

تلفن: ۶۲۲۱۱۱۹

### خراسان جنوبی

### ○ قائن:

قائن، خ مهدیه، نرسیده به میدان مبارزان، تلفن: ۵۲۲۶۱۵۸

### خوزستان

### ○ آبادان:

بسوستان کتاب، خ طالقانی، جنب حوزه علمیه

امام صادق علیه السلام، تلفن: ۲۲۲۴۶۸۱

### ○ اهواز:

اشراق، خ نادری، تلفن: ۲۲۲۸۶۸۱